



جمهوری اسلامی ایران

مجمع تشخیص مصلحت نظام

دسیرخانه

کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری

کمیته‌ی اقتصاد تلفیق

گزارش توجیهی سیاستهای کلی نظام

در مورد

تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی

۱۳۹۱/۰۶/۰۶

فهرست مطالب

- ۱- پیشگفتار ۳
- ۲- الزامات تدوین گزارش سیاستهای کلی ۳
- ۳- فهرست مشکلات اصلی بخش های تولید، کار و سرمایه در کشور ۴
- ۳-۱: مشکلات بخش تولید ۴
- ۳-۲: مشکلات بخش نیروی کار ۵
- ۳-۳: مشکلات بخش سرمایه و تأمین مالی ۵
- ۴- روش شناسی برای تدوین پیش نویس سیاستهای کلی نظام ۶
- ۵- تدوین فهرست عناوین سیاستهای کلی ۷
- ۶- ارتباط بین بندهای پیش نویس سیاستهای کلی و سیاستهای کلی ابلاغی ۹
- ۷- ارتباط بین بندهای پیش نویس سیاستهای کلی و سخنان مقام رهبری ۱۴
- ۸- ارتباط بین بندهای پیش نویس سیاستهای کلی و مشکلات ردیابی شده ۱۸
- ۹- توجیه مفهومی بندهای پیش نویس سیاستهای کلی ۲۱
- ۱۰- اجرایی کردن بندهای پیش نویس سیاستهای کلی ۵۴

۱- پیشگفتار

برای تدوین این گزارش متجاوز از سه هزار ساعت کار کارشناسی و متجاوز از ۲۵۰ ساعت کار اداری در دبیرخانه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام انجام شده است. علاوه بر این طی هشت نشست در بیت رهبری، مسئولان محترم حاضر در نشستها، نظرهای تکمیلی خود را ارائه نموده‌اند. هر یک از این اشخاص، برای هر نشست دست کم ده ساعت کار از کارشناسان خود دریافت کرده‌اند که حاصل آن نوشته‌هایی بوده است که در جریان بحثها ارائه شده است. این مجموعه متجاوز از ۸۵۰ ساعت کار انجام داده‌اند. برای استفاده از دانش متخصصان کشور و تکمیل بحث، در شروع کار، از مراکز مختلفی خواسته شد که نظرات خود را در مورد بهبود وضعیت تولید و کار و سرمایه‌ی کشور، ارائه نمایند. در این راستا، گزارشهای مختلفی از مراکز متفاوت دریافت شده است. برآورد می‌شود که این گزارشها حاصل دست کم ۳۰۰ ساعت کار کارشناسی باشد.

در جمع‌بندی نهایی، تلاش مجموعه بر این بوده است که ضمن در نظر گرفتن نظرهای جمله‌ی گروهها، مجموعه‌ای منسجم ارائه نمایند که بتواند چارچوب‌های سیاست کلی تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی را نشان بدهد. تردیدی نیست که انبوهی از مطالب بااهمیت وجود دارد که می‌تواند در جریان سیاستگذاری برای تحقق بندهای مختلف سند سیاستهای کلی نظام در مورد تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی مورد استفاده قرار بگیرد.

نسخه‌ی جدید گزارش بر مبنای اصلاحات نهایی پیش از ارسال برای مشورت به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارائه شده است. در این نسخه اصلاحات نهایی پیش از ارسال به مجمع دیده می‌شود. بر همین مبنای برخی اصلاحات در متن و توجیه مطالب ارائه شده است تا بتواند کلیه‌ی مطالب را پوشش بدهد و اهمیت هر یک از بندها را مشخص نماید.

نکته‌ی مهمی که باید به آن عنایت شود این است که برخی از بندهای سیاستهای کلی پیشنهادی در بحثهای پیشین مجمع تشخیص مصلحت نظام در چارچوب سیاستهای کلی پیشنهادی برای جهادی اقتصادی مطرح شده است ولی چون مسیر تصویب سیاستهای کلی تغییر کرده است، این بحثها کم و بیش ناتمام باقی مانده است. استفاده از دستاوردهای بحثهای مورد اشاره می‌تواند در ارزش‌گذاری بر جهت‌گیری بندهای مختلف سیاستهای کلی پیشنهادی کنونی اثر داشته باشد.

۲- الزامات تدوین گزارش سیاستهای کلی

گزارش حاضر مجموعه‌ای است که مبنای نگرشی تدوین سیاستهای کلی نظام در مورد تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی را نشان می‌دهد. این گزارش از بخشهای مختلفی تشکیل شده است که هر بخش مباحثی از الزامات تدوین این نوع سیاست کلی را نشان می‌دهد.

در گزارش اشاره شده است که فقدان نگرش و الگوی رسمی حاکمیتی در کشور، یکی از مشکلات اصلی است که الگوسازی برای تدوین نقشه‌ی راه سیاستهای کلی را ناممکن می‌سازد. به نظر می‌رسد که ساماندهی به این موضوع از الزامات باشد، ولی در غیاب نگرش رسمی، فقط می‌توان با روشهای ارزیابی وضعیت بدون تکیه بر الگوی رفتاری، اولویتها را تشخیص داد. اقدامات انجام‌شده در این چارچوب در گزارش به‌دقت ترسیم شده است تا نقشه‌ی راه و نگرش تحقیق روشن و شفاف شود.

بدیهی است که تدوین مجموعه‌ای از سیاست‌های کلی که تمام مشکلات و تمام خواسته‌ها را دربر بگیرد، چنان گسترده می‌شود که خواهی‌نخواهی اجرای آن تعلیق به‌محال است. با این نگرش، کارشناسان تدوین‌کننده‌ی سندهای پیش‌نویس، کوشیده‌اند تا مهمترین موارد را مد نظر قرار دهند و در کارآمدترین شکل، بندهای سیاست‌های کلی را در چارچوبی که حکم حکومتی در مورد آنها روا باشد، ارائه کنند.

۳- فهرست مشکلات اصلی بخش‌های تولید، کار و سرمایه در کشور

فهرست مشکلات اصلی بخش تولید، کار و سرمایه، با استفاده از یافته‌های مربوط به آسیب‌شناسی برای تدوین سیاست‌های کلی در آن حوزه‌ها، استخراج شده است. نداشتن نگرش رسمی برای برنامه‌ریزی‌های درازمدت و رای برنامه‌های توسعه‌ای پنج‌ساله، و فقدان نقشه‌ی راه در مورد سند چشم‌انداز، سبب شده است که نتوان با الگوسازی منسجم به نیازهای پایه‌ای پی‌برد. این نارسایی سبب می‌شود که نتوان به‌صورتی بسیار قابل‌دفاع برنامه‌های حاکمیتی را مدون کرد و در این زمینه فقط می‌توان با تکیه بر نظرات و گفته‌ها اولویتها را منظم نمود. در نهایت کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری دبیرخانه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام، کوشیده است تا با تکیه بر یافته‌های کتبی و شفاهی وسیع‌ترین طیف از مسئولان، خبرگان و دست‌اندرکاران، فهرستی از مشکلات اصلی بخش تولید، کار و سرمایه، به‌شرح زیر، تدوین نماید. این مشکلات به‌عنوان یکی از مبانی طراحی خواسته‌ها در بندهای مختلف سیاست‌های کلی نظام در مورد تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی قرار گرفته است. فهرست ۴۴ مورد از مشکلات در زیر به‌صورت جداگانه آورده شده است. بدیهی است که امکان دارد موارد زیادتری را بر هر یک از مجموعه‌ها افزود ولی هرگز نمی‌توان راه‌حلی برای همه‌ی مشکلات قابل‌تصور یافت و اولویت در آن است که فهرست در حد امکان از مشکلات کلیدی تشکیل شود و در چارچوبی قرار بگیرد که بتوان آنها را حل کرد. بدون تردید وقتی مشکلات کلیدی حل شود، قوه‌ی مجریه خواهد توانست مشکلات کوچکتر را نیز حل کند و نیازی به سیاست‌های کلی برای مشکلات کوچکتر وجود ندارد.

۳-۱: مشکلات بخش تولید:

۱. نبود یک نگرش واحد درازمدت برای توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی کشور،
۲. نداشتن قدرت رقابت،
۳. کندی جریان تأمین مالی،
۴. طولانی‌بودن جریان سفارش از خارج و استفاده از محصولات خارجی،
۵. کوچک‌ماندن مقیاس،
۶. پایین بودن سطح دانش فنی تولید،
۷. محدودیت منابع برای تحقیق و توسعه و نوسازی فعالیتهای اقتصادی،
۸. بی‌ثباتی قوانین و چارچوبهای فعالیتی در بخش تولید،
۹. مشکل آفرینی فضای کسب و کار،
۱۰. محدودیت دسترسی به بازار به دلایل ماهوی فعالیت و دلایل محیطی،
۱۱. محدودبودن موارد نوسازی و عرضه‌ی محصولات جدید،
۱۲. نداشتن تعامل برارنده با دنیا،

۱۳. ناآگاهی از ضوابط مطلوبیت کالاها و خدمات در سطح جهان (شرط سبز بودن، نداشتن عوامل آلاینده، قرارداد داشتن در محدوده‌ی مطلوب مصرف انرژی، ...).
۱۴. فقدان نگرش مثبت به تولیدکننده و سرمایه‌دار در جامعه.
۱۵. ناکفایی شبکه‌ی توزیع و محصول‌رسانی.
۱۶. رفتار تبعیض‌آمیز نسبت به بنگاه‌های دولتی و شبه‌دولتی.
۱۷. نداشتن آمار و اطلاعات به‌هنگام و درست برای تصمیم‌گیری و رصد وضعیت موجود.
۱۸. نبود سیاست‌های انگیزشی برای ارزآوری و ورود به بازارهای جهانی، به‌ویژه به‌صورت باثبات یا درازمدت.
۱۹. بالای بودن نرخ ائتلاف منابع به‌دلیل ناپیوستگی ساخت بخش تولید.
۲۰. بی‌تفاوتی نسبت به قوانین و مقررات کشور.
۲۱. پایین بودن سطح شفافیت در کلیه‌ی موارد اجرایی (نیازها و الزامات نانوشته است و هرکس به سلیقه‌ی خود برداشتی از آن دارد).
۲۲. نداشتن فرهنگ اسقاط‌سازی به‌هنگام و دراز کردن مدت بهره‌وری بیش از حد بهینه‌ی بهره‌وری (به‌عنوان مثال کارخانه‌ای که بیش از ۳۰ سال است نوسازی نشده، همچنان مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد و ماشین‌آلات به‌قدری فرسوده است که محصول تولیدی به پایین‌ترین کیفیت ارائه می‌شود و هزینه‌ی تعمیر و نگهداری این ماشین‌آلات به‌مراتب بیش از حدود موردقبول با معیارهای امروز جهانی است. در بخش نساجی این مشکل فرسودگی به‌شدت مشهود است).
۲۳. ناقص بودن جدی زنجیره‌ی تولید.

۲-۳: مشکلات بخش نیروی کار:

۲۴. پایین بودن بهره‌وری نیروی کار.
۲۵. ناآگاهی از دانش فنی نو در سطح جهان و نداشتن آموزش‌های کافی برای همترازی عمومی نیروی کار ایرانی با نیروی کار توانمند مشابه در خارج.
۲۶. محدود بودن امکان فعالیت نیروی کار بسیار متخصص که می‌تواند در سطح فرابنگاهی بازدهی بیشتر داشته باشد.
۲۷. فقدان پیوستگی بین برنامه‌های آموزشی دانشگاهها و نیازهای بازار کار.
۲۸. بی‌تفاوتی نسبت به تواناییهای فنی در نیروی کار.
۲۹. وجود تبعیض گسترده در انتخاب نیروی کار برای فعالیتهای اقتصادی.

۳-۳: مشکلات بخش سرمایه و تأمین مالی:

۳۰. نداشتن نهادهای کارآمد در تجهیز منابع مالی، در بازار سرمایه‌ی کشور.
۳۱. بالای بودن خطر سرمایه‌آوری.
۳۲. پایین بودن نقدینگی سرمایه‌آوری.
۳۳. محدود بودن زمینه‌های سرمایه‌آوری.
۳۴. بهره‌وری پایین منابع سرمایه‌ای در کشور.

۳۵. وجود تأخیرهای گسترده در استفاده از سرمایه‌گذاریها.
۳۶. نداشتن امکان دسترسی به دانش فنی سطح بالا در بخش سرمایه.
۳۷. بالابودن هزینه‌ی تأمین منابع سرمایه‌ای از شبکه‌ی مالی کشور،
۳۸. محدودبودن امکان دسترسی به منابع مالی خارجی،
۳۹. بالابودن بسیار جدی خطر دریافت منابع مالی از خارج (به دلیل نوسانهای جدی در نرخ ارز و افت مداوم ارزش پول ملی)،
۴۰. دسترسی نابرابر و متکی به روابط، به منابع سرمایه‌ای موجود،
۴۱. بی‌تعهدی بنگاههای مالی نسبت به اجرای تعهدات سرمایه‌ای برای کارآفرینان،
۴۲. برقراری نوعی پیوند ناگفته در کم‌نمایی نیازها و اعلام اقساطی منابع مورد نیاز سرمایه‌گذار،
۴۳. مشکلات قانونی و فرهنگی برای تشکیل نهادهای مختلف برای تجهیز منابع سرمایه‌ای (مانند شرکت‌های سهامی محدود یا سهامی عام)،
۴۴. وجود ساخت فرهنگی مصرف‌بنیان که داشتن اوراق بهادار را نسبت به داشتن طلا و داراییهای بدون بازده، از اهمیت کمتر برخوردار می‌سازد.

۴- روش شناسی برای تدوین پیش‌نویس سیاستهای کلی نظام

یکی از متعارف‌ترین روشهای آسیب شناسی، استفاده از نظرهای دست اندرکاران با کاربرد روش پرسشگری مستقیم است. این روش هزینه‌ی زیادی دارد و در هر صورت در مدتی بسیار کوتاه قابل‌انجام نیست. به همین دلیل برای تدوین بخش آسیب‌شناسی، از روش پرسشگری مستقیم و گسترده خودداری شده است.

با عنایت به محدودبودن نیروی انسانی در دبیرخانه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام، و با در نظر گرفتن عملکرد تخصصی این نیرو، روش آسیب‌شناسی برگزیده، استفاده از امکانات موجود و تحقیقات مختلف در زمینه‌های مورد نظر بوده است. به این ترتیب نیروی تخصصی کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری دبیرخانه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام برای گردآوری متون مختلف تجهیز شدند.

برای شناخت نارسایی‌های موجود در بخشهای تولید، سرمایه و نیروی کار، کارشناسان کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری دبیرخانه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام، از روشهای زیر استفاده نموده‌اند:

۱. تکیه بر محتوای سخنرانیهای مقام رهبری در زمانهای مختلف و تفکیک موضوعی مطالب برای شناسایی موارد مربوط به تولید، سرمایه و نیروی کار،
۲. استفاده از نظرات خبرگان بخشهای مربوط و دریافت نظرهای آنها با استفاده از روش طوفان مغزی در نشستهای مختلف اقتصادی،
۳. استفاده از نظرات اعضای محترم کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری مجمع تشخیص مصلحت نظام در جریان نشستهای مختلف،

۴. استفاده از نظرات هیأت علمی کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری دبیرخانه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام و گروه‌های علمی همان کمیسیون در موارد مختلف در طول سالهای اخیر،
۵. استفاده از یافته‌های ارزیابی فضای کسب و کار که در سالهای اخیر توسط مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی تهیه می‌شود.
۶. استفاده از گزارشهای مختلف تدوین شده توسط سازمانها، نهادها و محققان مختلف در طول سالها،

۵- تدوین فهرست عناوین سیاستهای کلی

برای تدوین فهرست عناوین سیاستهای کلی، مجموعه‌ای از مشکلات، نکات مطرح شده در سخنان مقام رهبری در سالهای اخیر، خواسته‌های سیاستهای کلی مختلف اعلام شده که به نظر می‌رسد هنوز به تأکید نیاز دارد یا موارد تکمیلی باید به آنها افزوده شود، مطالب تحقیقاتی موجود در مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد اقتصاد و جامعه‌ی کشور، نوشته‌های کارشناسان در زمانهای مختلف و گزارشهای تحقیقاتی قابل دسترس در دبیرخانه‌ی مجمع، مد نظر قرار گرفته است. این فهرست در نشستهای مختلف با اعضای محترم مجمع مطرح شده و بر دقت آنها افزوده شده است.

نگاه کلی به تدوین سیاستهای کلی این بوده است که سیاستهای کلی در مورد اصلی‌ترین محورهای کنترلی در کشور، مدون شود. حرکتی که در نتیجه‌ی تحولات این محورها ایجاد می‌شود، باید بتواند سبب به وجود آمدن زمینه‌ی مطلوب برای گسترش تولید ملی و تقویت کار و سرمایه‌ی ایرانی شود. این فهرست در جدول زیر نشان داده شده است.

محورهای اصلی اثرگذار بر تولید ملی، و کار و سرمایه‌ی ایرانی

ردیف	محور
۱	بهره‌وری
۲	پژوهش و گسترش
۳	ساخت تولید در کشور
۴	تراز پرداختهای خارجی کشور و تکمیل زنجیره‌ی تولید
۵	ارزآوری
۶	ارزش پول ملی و مدیریت ارزی
۷	فضای کسب و کار
۸	عملکرد دولت در مقایسه با سایر فعالان اقتصادی
۹	عملکرد نهادهای دولتی
۱۰	شفاف‌سازی و سلامت اقتصاد
۱۱	توانمندسازی نیروی کار
۱۲	قدرت حرکت نیروی کار

۱۳	وضعیت سرمایه‌ی اجتماعی
۱۴	وضعیت ضایعات در کار و سرمایه در کشور
۱۵	تنوع و امکانات سرمایه‌گذاری
۱۶	وضعیت سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر
۱۷	وضعیت و جهت‌گیری مدیریت در صندوق توسعه‌ی ملی
۱۸	وضعیت قوانین و مقررات در کشور
۱۹	وضعیت نظام توزیع در کشور
۲۰	مدیریت منابع مالی

سیاست‌های کلی با هدف بهینه‌کردن وضعیت این محورها در سطح حاکمیتی تدوین شده است تا از این راه زمینه‌ی لازم برای جهت‌دادن مطلوب به توسعه‌ی تولید ملی و احترام به کار و سرمایه‌ی ایرانی فراهم شود. جهت‌گیری‌های اعلام‌شده در سیاست‌های کلی، به ابعاد مختلفی از وضعیت تولید ملی و نگرش احترام‌آمیز به کار و سرمایه‌ی ایرانی می‌پردازد که در صورت پایبندی به آنها، می‌توان انتظار داشت که توسعه‌ی اقتصادی افزایش یابد و در عین حال نیروی کار و سرمایه‌ی ایرانی توانمندتر و با بهره‌وری بیشتر در اقتصاد جهانی فعال شود. لازمی این پایبندی آن است که خواسته‌های سیاست‌های کلی در کلیه‌ی سطوح پایینی، با دقت دنبال شود و نظارت بر حسن اجرای این سیاست‌ها به‌صورت جدی انجام پذیرد.

بندهای مختلف پیش‌نویس سیاست‌های کلی نظام در مورد تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی، در مورد تمام محورهای اصلی ذکرشده در بالا مدون شده است. در هر مورد تلاش شده است که مطالب اصلی مربوط به محورهای ذکرشده، شناسایی و مشخص شود. تعهد به مجموعه‌ی مطالب بندها می‌تواند وضعی را ایجاد کند که در آن تولید ملی افزوده شود و کار و سرمایه‌ی ایرانی در جایگاهی برآورنده قرار بگیرند.

فهرست بندهای پیش‌نویس سیاست‌های کلی نظام در مورد تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی

متن پیش‌نویس سیاست‌های کلی
۱- افزایش بهره‌وری عوامل تولید با هدف بالابردن قدرت رقابت، کاهش هزینه‌های تولید و بهبود کیفیت تولید و عوامل تولید از طریق تدابیر تشویقی و تنبیهی.
۲- تقویت و بهره‌گیری از تحقیق و توسعه و نوآوری در بخش‌های تولید، با هدف ارتقاء کیفی تولید کالا و خدمات، و بالابردن درجه‌ی ساخت داخل تا محصول نهایی با حفظ رقابت‌پذیری و حمایت از نوآوری و تولیدات دانش‌بنیان.
۳- بازسازی ساختار تولید ملی با اعطای مشوق‌های لازم در جهت افزایش قدرت رقابتی کالاها و خدمات داخلی و گسترش محصولات با ماهیت راهبردی یا مورد نیاز مصارف عمومی یا بخش تولیدی کشور.
۴- فاصله‌گرفتن از خام‌فروشی و تکمیل زنجیره‌ی تولید از مواد خام تا محصولات نهایی در بازه‌ی زمانی معین.
۵- حمایت از تولید محصولات ارزآور.
۶- مدیریت منابع ارزی با تأکید بر تأمین نیازهای تولید ملی و کارآفرینان به ارز و ثبات ارزش پول ملی.
۷- بهبود فضای کسب و کار با هدف افزایش تولید ملی با اصلاح زمینه‌های قانونی، اجرایی، اداری و فرهنگی.

متن پیش‌نویس سیاست‌های کلی
۸- افزایش سهم مردم در تولید ملی از طریق افزایش انگیزه و عزم ملی برای افزایش تولید ملی، رعایت انضباط مالی و بودجه‌ای دولت، رفع تبعیض بین بخش دولتی و بخش‌های غیردولتی و خصوصی در دسترسی به اطلاعات و سایر موارد، حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط و تسریع در تحقق کامل سیاست‌های کلی اصل ۴۴.
۹- تنظیم نقش نهادهای عمومی غیردولتی اقتصادی در جهت تولید ملی.
۱۰- شفاف‌سازی و به‌هنگام‌سازی اطلاعات و دسترسی آسان فعالان اقتصادی به آن و اطلاع‌رسانی در مورد ابعاد و فرصت‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاران در رشته‌های مختلف.
۱۱- توانمندسازی نیروی کار با افزایش انگیزه، بهره‌وری و خلاقیت نیروی کار و ایجاد تناسب بین آموزش و پژوهش دانشگاهی و مراکز پژوهشی با نیازهای بازار کار.
۱۲- بسترسازی برای حرکت نیروی کار ایرانی در سطح ملی و منطقه‌ای.
۱۳- تقویت سرمایه‌ی اجتماعی و نهادهای حامی کار و سرمایه‌ی ایرانی از طریق فعال‌سازی مردم‌نهادها و با استفاده از نظرات متخصصان و صاحب‌نظران در تصمیمات اقتصادی.
۱۴- جلوگیری از اتلاف منابع کار و سرمایه‌ی ایرانی از طریق اقداماتی مانند ارائه‌ی خدمات فنی و مشاوره‌ای فرابنگاهی و ارتقاء بازده اقتصادی در بخش‌های مختلف اقتصادی.
۱۵- گسترش تنوع ابزارهای سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه و تکمیل ساختارهای آن، و اعمال سیاست‌های تشویقی برای حضور عموم مردم و سرمایه‌گذاری منطقه‌ای در بازار سرمایه.
۱۶- تشویق ورود سرمایه‌های ایرانی به حوزه‌ی سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر متضمن تحقیق و توسعه، از طریق تأسیس صندوق‌های شراکت در سرمایه‌گذاری و حمایت‌های قانونی برای محققان و سرمایه‌گذاران این حوزه.
۱۷- کارآمدسازی مدیریت منابع موجود در صندوق توسعه ملی در تولید.
۱۸- تنقیح و اصلاح قوانین و مقررات برای تسهیل فعالیت در بخش‌های تولیدی در سطح ملی با رویکرد ثبات نسبی در قوانین.
۱۹- کارآمد کردن نظام توزیع کالاها و خدمات با استفاده از ساز و کارهای شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی و کاهش واسطه‌های غیرضرور.
۲۰- گسترش منابع مالی و کارآمدسازی مدیریت آن در جهت افزایش ظرفیت تولید ملی و کاهش هزینه‌های تأمین مالی مورد نیاز، به‌ویژه با ساماندهی، گسترش و حمایت از نهادهای مالی توسعه‌ای و بیمه‌ای.

۶- ارتباط بین بندهای پیش‌نویس سیاست‌های کلی و سیاست‌های کلی ابلاغی

یکی از مواردی که در طراحی سیاست‌های کلی نظام در مورد تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی مد نظر بوده است، تأکید بر مواردی از سیاست‌های کلی ابلاغی است که به‌نظر می‌رسد اجرای جدی آنها از اهمیت بسیار برخوردار است یا به افزودن سیاست‌های حامی و همراه نیاز دارند. در زیر جدول مقایسه‌ای بین سیاست‌های کلی پیشنهادی و سیاست‌های کلی ابلاغی مشاهده می‌شود. همانطور که در جدول دیده می‌شود، فقط چندین بند از سیاست‌های کلی در حمایت و تأکید بر سیاست‌های کلی ابلاغی موجود آورده شده است ولی

بندهای جدیدی هم در سیاستهای کلی پیشنهادی وجود دارد. عنوان سیاستهای ابلاغی که بندهای خاصی از آن مد نظر بوده است، در جدول مشخص شده است.

پیش‌نویس سیاستهای کلی نظام در مورد تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی و تطابق آن با

سیاستهای کلی ابلاغی

متن پیش‌نویس سیاستهای کلی	موارد سیاستهای کلی ابلاغی مشابه
۱- افزایش بهره‌وری عوامل تولید با هدف بالابردن قدرت رقابت، کاهش هزینه‌های تولید و بهبود کیفیت تولید و عوامل تولید از طریق تدابیر تشویقی و تنبیهی.	سیاستهای کلی برنامه‌ی پنجم: ۲- ۲۱- ارتقاء سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی به یک سوم در پایان برنامه. سیاستهای کلی اصلاح الگوی مصرف: ۳- توسعه و ترویج فرهنگ بهره‌وری با ارائه و تشویق الگوهای موفق در این زمینه و با تأکید بر شاخصهای کارآمدی، مسئولیت‌پذیری، انضباط و رضایت‌مندی.
۲- تقویت و بهره‌گیری از تحقیق و توسعه و نوآوری در بخشهای تولید، با هدف ارتقاء کیفیت تولید کالا و خدمات، و بالابردن درجه‌ی ساخت داخل تا محصول نهایی با حفظ رقابت‌پذیری و حمایت از نوآوری و تولیدات دانش‌بنیان.	سیاستهای کلی نظام در بخش تشویق سرمایه‌گذاری: ۵- افزایش توان رقابت اقتصادی در داخل و صحنه‌های بین‌المللی از طریق لغو انحصارات غیرضرور و تقویت ساختار رقابتی و زیرساختهای ملی و حمایت از ارتقاء خلاقیت و نوآوری.
۳- بازسازی ساختار تولید ملی با اعطای مشوقهای لازم در جهت افزایش قدرت رقابتی کالاهای و خدمات داخلی و گسترش محصولات با ماهیت راهبردی یا مورد نیاز مصارف عمومی یا بخش تولیدی کشور.	
۴- فاصله گرفتن از خام‌فروشی و تکمیل زنجیره‌ی تولید از مواد خام تا محصولات نهایی در بازه‌ی زمانی معین.	سیاستهای کلی برنامه‌ی پنجم: ۳- ۲۲- قطع وابستگی هزینه‌های جاری دولت به درآمدهای نفت و گاز تا پایان برنامه.
۵- حمایت از تولید محصولات ارز آور.	
۶- مدیریت منابع ارزی با تأکید بر تأمین نیازهای تولید ملی و کارآفرینان به ارز و ثبات ارزش پول ملی.	
۷- بهبود فضای کسب و کار با هدف افزایش تولید ملی با اصلاح زمینه‌های قانونی، اجرایی، اداری و فرهنگی.	سیاستهای کلی برنامه‌ی پنجم: ۳- ۲۱- بهبود فضای کسب و کار کشور با تأکید بر ثبات

<p>محیط اقتصاد کلان، فراهم آوردن زیرساختهای ارتباطی، اطلاعاتی، حقوقی، علمی و فناوری مورد نیاز، کاهش خطرپذیریهای کلان اقتصادی، ارائه‌ی مستمر آمار و اطلاعات به صورت شفاف و منظم به جامعه.</p> <p>سیاستهای کلی اشتغال:</p> <p>۵- بهبود محیط کسب و کار و ارتقاء شاخصهای آن (محیط سیاسی، فرهنگی و قضایی و محیط اقتصاد کلان، بازار کار، مالیاتها و زیرساختها) و حمایت از بخشهای خصوصی و تعاونی و رقابت از راه اصلاح قوانین، مقررات و رویه‌های ذی ربط در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.</p> <p>سیاستهای کلی نظام در بخش تشویق سرمایه‌گذاری:</p> <p>۵- افزایش توان رقابت اقتصادی در داخل و صحنه‌های بین‌المللی از طریق لغو انحصارات غیرضرور و تقویت ساختار رقابتی و زیرساختهای ملی و حمایت از ارتقاء خلاقیت و نوآوری.</p>	
<p>سیاستهای کلی برنامه‌ی پنجم:</p> <p>۳-۲۲- قطع وابستگی هزینه‌های جاری دولت به درآمدهای نفت و گاز تا پایان برنامه.</p> <p>۲-۲۵- ایجاد ساختارهای مناسب برای ایفای وظایف حاکمیتی (سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت).</p> <p>۲۷- سرمایه‌گذاری در استحصال و استخراج گاز و نفت و معادن مشترک با کشورهای همسایه با رعایت سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی.</p> <p>سیاستهای کلی نظام در بخش مالی:</p> <p>۱- قطع اتکاء هزینه‌های جاری به نفت و تأمین آن از محل درآمد مالیاتی و سایر درآمدها حداکثر تا پایان برنامه‌ی پنجم.</p> <p>سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی:</p> <p>کل مجموعه‌ی سند سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی.</p>	<p>۸- افزایش سهم مردم در تولید ملی از طریق افزایش انگیزه و عزم ملی برای افزایش تولید ملی، رعایت انضباط مالی و بودجه‌ای دولت، رفع تبعیض بین بخش دولتی و بخشهای غیردولتی و خصوصی در دسترسی به اطلاعات و سایر موارد، حمایت از بنگاههای کوچک و متوسط و تسریع در تحقق کامل سیاستهای کلی اصل ۴۴.</p>
	<p>۹- تنظیم نقش نهادهای عمومی غیردولتی اقتصادی در جهت تولید ملی.</p>
<p>سیاستهای کلی برنامه‌ی پنجم:</p> <p>۱-۲۵- حمایت از شکل‌گیری بازارهای رقابتی.</p> <p>۴-۳۴- تأمین برخورداری آحاد جامعه از اطلاعات اقتصادی.</p>	<p>۱۰- شفاف‌سازی و به‌هنگام‌سازی اطلاعات و دسترسی آسان فعالان اقتصادی به آن و اطلاع‌رسانی در مورد ابعاد و فرصتهای سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاران در</p>

<p>سیاستهای کلی اشتغال:</p> <p>۴- ایجاد نظام جامع اطلاعات بازار کار.</p>	<p>رشته‌های مختلف.</p>
<p>سیاستهای کلی برنامه‌ی پنجم:</p> <p>۷- تحول در نظام آموزش عالی و پژوهش در موارد زیر:</p> <p>۱-۷- افزایش بودجه‌ی تحقیق و پژوهش به ۳ درصد تولید ناخالص داخلی تا پایان برنامه‌ی پنجم و افزایش ورود دانش‌آموختگان دوره‌ی کارشناسی به دوره‌های تحصیلات تکمیلی به ۲۰ درصد.</p> <p>۲-۷- دستیابی به جایگاه دوم علمی و فناوری در منطقه و تثبیت آن در برنامه‌ی پنجم.</p> <p>۳-۷- ارتباط مؤثر بین دانشگاهها و مراکز پژوهشی با صنعت و بخشهای مربوط جامعه.</p> <p>۴-۷- توانمندسازی بخش غیردولتی برای مشارکت در تولید علم و فناوری.</p> <p>۵-۷- دستیابی به فناوری‌های پیشرفته مورد نیاز.</p> <p>۸- تحول در نظام آموزش و پرورش با هدف ارتقاء کیفی آن بر اساس نیازها و اولویتهای کشور در سه حوزه‌ی دانش، مهارت و تربیت و نیز افزایش سلامت روحی و جسمی دانش‌آموزان.</p> <p>سیاستهای کلی اشتغال:</p> <p>۲- آموزش نیروی انسانی متخصص، ماهر و کارآمد متناسب با نیازهای بازار کار (فعلی و آتی) و ارتقاء توان کارآفرینی با مسؤولیت نظام آموزشی کشور (آموزش و پرورش، آموزش فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی) و توأم کردن آموزش و مهارت و جلب همکاری بنگاههای اقتصادی جهت استفاده از ظرفیت آنها.</p> <p>۳- ایجاد فرصتهای شغلی پایدار با تأکید بر استفاده از توسعه‌ی فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان و آینده‌نگری نسبت به تحولات آنها در سطح ملی و جهانی.</p>	<p>۱۱- توانمندسازی نیروی کار با افزایش انگیزه، بهره‌وری و خلاقیت نیروی کار و ایجاد تناسب بین آموزش و پژوهش دانشگاهها و مراکز پژوهشی با نیازهای بازار کار.</p>
	<p>۱۲- بسترسازی برای حرکت نیروی کار ایرانی در سطح ملی و منطقه‌ای.</p>
	<p>۱۳- تقویت سرمایه‌ی اجتماعی و نهادهای حامی کار و سرمایه‌ی ایرانی از طریق فعال سازی مردم‌نهادها و با استفاده از نظرات متخصصان و صاحب‌نظران در</p>

	تصمیمات اقتصادی.
	۱۴- جلوگیری از اتلاف منابع کار و سرمایه‌ی ایرانی از طریق اقداماتی مانند ارائه‌ی خدمات فنی و مشاوره‌ای فرابنگاهی و ارتقاء بازده اقتصادی در بخشهای مختلف اقتصادی.
سیاستهای کلی نظام در بخش مالی:	۱۵- گسترش تنوع ابزارهای سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه و تکمیل ساختارهای آن، و اعمال سیاستهای تشویقی برای حضور عموم مردم و سرمایه‌گذاری منطقه‌ای در بازار سرمایه.
۴- ساماندهی، گسترش و ارتقاء بازار مالی ایران (سرمایه، پول و بیمه) با تأکید بر کارآیی، شفافیت، سلامت، با بهره‌مندی از فناوریهای نوین، همچنین ایجاد اعتماد و حمایت از سرمایه‌گذاران و مؤسسات فعال در بازارهای مالی با حفظ مسئولیت‌پذیری آنان، تشویق رقابت و ابتکارات، پیش‌گیری از وقوع بحرانها و مقابله با تخلفهای حقوقی و کیفری مالی	
سیاستهای کلی اشتغال:	۱۶- تشویق ورود سرمایه‌های ایرانی به حوزه‌ی سرمایه‌گذاریهای خطرپذیر متضمن تحقیق و توسعه، از طریق تأسیس صندوقهای شراکت در سرمایه‌گذاری و حمایتهای قانونی برای محققان و سرمایه‌گذاران این حوزه.
۱۰- حمایت از تأسیس و توسعه‌ی صندوقهای شراکت در سرمایه برای تجاری‌سازی ایده‌ها و پشتیبانی از شرکتهای نوپا، کوچک و نوآور.	
	۱۷- کارآمدسازی مدیریت منابع موجود در صندوق توسعه‌ی ملی در تولید.
سیاستهای کلی نظام در بخش تشویق سرمایه‌گذاری:	۱۸- تنقیح و اصلاح قوانین و مقررات برای تسهیل فعالیت در بخش‌های تولیدی در سطح ملی با رویکرد ثبات نسبی در قوانین.
۱۰- ساماندهی رفتار تقنینی اداری، قضایی، بازرسی، نظارت، حسابرسی و تخصصی‌کردن امور در جهت حمایت از سرمایه‌گذاری و تولید.	
	۱۹- کارآمدکردن نظام توزیع کالاها و خدمات با استفاده از ساز و کارهای شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی و کاهش واسطه‌های غیرضرور.
سیاستهای کلی نظام در بخش مالی:	۲۰- گسترش منابع مالی و کارآمدسازی مدیریت آن در جهت افزایش ظرفیت تولید ملی و کاهش هزینه‌های تأمین مالی مورد نیاز، به‌ویژه با ساماندهی، گسترش و حمایت از نهادهای مالی توسعه‌ای و بیمه‌ای.
۴- ساماندهی، گسترش و ارتقاء بازار مالی ایران (سرمایه، پول و بیمه) با تأکید بر کارآیی، شفافیت، سلامت، با بهره‌مندی از فناوریهای نوین، همچنین ایجاد اعتماد و حمایت از سرمایه‌گذاران و مؤسسات فعال در بازارهای مالی با حفظ مسئولیت‌پذیری آنان، تشویق رقابت و ابتکارات، پیش‌گیری از وقوع بحرانها و مقابله با تخلفهای	

۷- ارتباط بین بندهای پیش‌نویس سیاست‌های کلی و سخنان مقام رهبری

اعلام موضوع توسط مقام رهبری با سخنانی از طرف ایشان در جمع گروه‌های مختلف همراه بوده است و در سال‌های گذشته هم مواردی از موضوع توسط ایشان مطرح شده است. برای نمایش ارتباط بین بندهای پیش‌نویس سیاست‌های کلی و خواسته‌های مقام رهبری، در جدول زیر برخی از مطالب مقام رهبری در مورد هر بند آورده شده است. ذکر این موارد برای نشان‌دادن ارتباط است و به‌هیچ‌عنوان این معنا را نمی‌رساند که سخنان مقام رهبری فقط به موارد ذکر شده محدود می‌شود.

نظر به این که سخنان مقام رهبری از سایت رسمی برداشته شده است، مطالب فقط به مواردی محدود است که تا زمان تدوین گزارش حاضر در سایت آورده شده است. بنابراین مطالبی که در سایت ذکر نشده باشد، در این بررسی مد نظر قرار نگرفته است.

ارائه‌ی مطالب مقام رهبری در دو چارچوب انجام شده است. در چارچوب نخست که متن سخنان مقام رهبری با ذکر زمان ایراد سخنرانی آورده شده است، استدلال این بوده است که کلام به‌اندازه‌ی کافی آشکار است که نیازی به تفسیر ندارد. در عین حال در هر قسمت مطالبی هم آورده شده است که در آن تفسیرهایی از سخنان مقام رهبری وجود دارد که این قسمت با سایه‌ی خاکستری روشن مشخص شده است. هر دو موضوع در جدول آورده شده است تا مبنای قضاوت مسئولان محترم قرار بگیرد. همانطور که در جدول دیده می‌شود، کم و بیش برای تمام بندهای سیاست‌های کلی پیشنهادی، توضیحاتی در سخنرانی‌های مقام رهبری وجود دارد که نشان می‌دهد این موارد مد نظر بوده است.

پیش‌نویس سیاست‌های کلی نظام در مورد تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی و تطابق آن با

سخنان مقام رهبری و تفسیر این سخنان

خواسته‌های مقام رهبری	متن پیش‌نویس سیاست‌های کلی
✓ رفع کم‌بازدهی بخش تولید کشور: ۱۳۹۱-۰۱-۰۱	۱- افزایش بهره‌وری عوامل تولید با هدف
✓ وابستگی تولید ملی به کار و سرمایه: ۱۳۹۱-۰۲-۱۰	بالابردن قدرت رقابت، کاهش هزینه‌های
✓ توجه به ایجاد مزیت‌های رقابتی: ۱۳۹۱-۰۲-۱۰	تولید و بهبود کیفیت تولید و عوامل تولید
✓ برجسته‌کردن تولید ملی با توجه به کیفیت: ۱۳۹۱-۰۲-۱۰	از طریق تدابیر تشویقی و تنبیهی.
✓ اهمیت قابل‌رقابت‌بودن قیمت تمام‌شده: ۱۳۹۱-۰۲-۱۰	
✓ اصلاح ساخت تولید کشور: ۱۳۹۱-۰۱-۰۱	
✓ لزوم مرغوب و بادوام‌کردن محصولات ملی: ۰۱-۰۱-۱۳۹۱	
✓ نقش مهم کار و سرمایه‌ی ایرانی در رونق تولید ملی: ۲۰-۱۳۹۰-۰۷	
✓ پیگیری تقویت تولید داخلی: ۱۳۹۰-۰۷-۲۰	
✓ اهمیت مزیت تولیدی: ۱۳۹۰-۰۷-۱۳	

خواسته‌های مقام رهبری	متن پیش‌نویس سیاست‌های کلی
<p>✓ توجه به پیوندهای تولید برای بالابردن بازده فعالیت: ۱۴- ۱۳۹۰-۰۴</p> <p>✓ اهمیت برتری کیفی محصولات ایرانی: ۱۳۹۰-۰۲-۰۷</p> <p>کاهش هزینه‌ها و مخاطرات تولید (اجتماع کارگران کارخانجات تولیدی در سال ۱۳۹۱ و دیدار روز کارگر سال ۱۳۹۰).</p> <p>ارتقاء کیفیت محصولات تولیدی داخل (اجتماع کارگران کارخانجات تولیدی در سال ۱۳۹۱).</p> <p>افزایش توان رقابت محصولات داخلی در بازارهای جهانی (اجتماع کارگران کارخانجات تولیدی در سال ۱۳۹۱).</p> <p>سوق‌یافتن منابع مالی به‌سمت فعالیتهای مولد و جلوگیری از انحراف آنها (اجتماع کارگران کارخانجات تولیدی در سال ۱۳۹۱ و دیدار جمعی از کارآفرینان در سال ۱۳۸۹).</p>	
<p>✓ استفاده از دستاوردهای تحقیق ظرف کوتاهترین زمان: ۱۳۹۱-۰۴-۰۷</p> <p>✓ توجه به ایجاد مزیت‌های رقابتی: ۱۳۹۱-۰۲-۱۰</p> <p>✓ اصلاح ساخت تولید کشور: ۱۳۹۱-۰۱-۰۱</p> <p>✓ ایجاد بسترهای لازم برای فعالیت حداکثری نوآوران در</p> <p>✓ توجه به ایجاد مزیت‌های رقابتی: ۱۳۹۱-۰۲-۱۰</p> <p>✓ نوآوری با حمایت می‌تواند بسیار فعال شود: ۱۴-۰۷- ۱۳۹۰</p> <p>اجتماع کارگران کارخانجات تولیدی، سال ۱۳۹۱.</p> <p>فاصله‌گرفتن از خام‌فروشی و تکمیل زنجیره‌ی تولید از مواد خام تا محصولات نهایی (حرم رضوی در آغاز سال ۱۳۹۱).</p> <p>توسعه‌ی کسب و کار دانش‌بنیان (دیدار جمعی از کارآفرینان سال ۱۳۸۹).</p>	<p>۲- تقویت و بهره‌گیری از تحقیق و توسعه و نوآوری در بخش‌های تولید، با هدف ارتقاء کیفی تولید کالا و خدمات، و بالابردن درجه‌ی ساخت داخل تا محصول نهایی با حفظ رقابت‌پذیری و حمایت از نوآوری و تولیدات دانش‌بنیان.</p>
<p>✓ اصلاح ساخت تولید کشور: ۱۳۹۱-۰۱-۰۱</p> <p>✓ محدودبودن دوره‌ی اعطای کمک: ۱۳۹۰-۰۷-۱۳</p> <p>✓ تأکید بر حمایت از بخش‌هایی از تولید که در معرض آسیب‌های بیرونی قرار دارند:</p> <p>تسهیل فرآیندهای تولید در کلیه‌ی مراحل (دیدار جمعی از کارآفرینان در سال ۱۳۸۹).</p>	<p>۳- بازسازی ساختار تولید ملی با اعطای مشوق‌های لازم در جهت افزایش قدرت رقابتی کالاها و خدمات داخلی و گسترش محصولات با ماهیت راهبردی یا مورد نیاز مصارف عمومی یا بخش تولیدی کشور.</p>
<p>✓ اصلاح ساخت تولید کشور: ۱۳۹۱-۰۱-۰۱</p> <p>✓ توجه به کیفیت در صادرات: ۱۳۹۰-۰۵-۲۶</p>	<p>۴- فاصله‌گرفتن از خام‌فروشی و تکمیل زنجیره‌ی تولید از مواد خام تا محصولات</p>

خواست‌های مقام رهبری	متن پیش‌نویس سیاست‌های کلی
تسهیل صادرات و حضور در بازارهای جهانی (؟)	نهایی در بازه‌ی زمانی معین.
	۵- حمایت از تولید محصولات ارز آور.
	۶- مدیریت منابع ارزی با تأکید بر تأمین نیازهای تولید ملی و کارآفرینان به ارز و ثبات ارزش پول ملی.
<p>✓ لزوم برخورد قاطع با فساد برای ایجاد امکان کار برای تولیدکننده‌ی سالم: ۲۶-۰۵-۱۳۹۰</p> <p>✓ سیاستگذاری برای واردات با عنایت به وضعیت تولید داخلی مشابه: ۲۶-۰۵-۱۳۹۰</p> <p>ثبات اقتصاد کلان (دیدار اعضای هیأت دولت، سالهای ۱۳۸۸ و ۱۳۸۶ و دیدار کارآفرینان، سال ۱۳۹۰).</p> <p>کاهش هزینه‌ها و مخاطرات تولید (اجتماع کارگران کارخانجات تولیدی در سال ۱۳۹۱ و دیدار روز کارگر سال ۱۳۹۰).</p> <p>مدیریت صحیح بازار کالا و خدمات داخلی و واردکنندگان کالا و خدمات در راستای منافع ملی و حمایت از تولید داخل (دیدار با جمعی از کارآفرینان سال ۱۳۸۹).</p>	<p>۷- بهبود فضای کسب و کار با هدف افزایش تولید ملی با اصلاح زمینه‌های قانونی، اجرایی، اداری و فرهنگی.</p>
<p>✓ قطع وابستگی اقتصاد ملی به نفت: ۲۶-۰۵-۱۳۹۰</p> <p>استقلال بودجه‌ی دولت از درآمدهای نفتی (در حرم رضوی در آغاز سال ۱۳۹۱ و در سیاستهای کلی برنامه‌ی پنجم)، بهره‌برداری از منابع طبیعی به‌صورت اصولی و صیانتی (حرم رضوی، در آغاز سال ۱۳۹۱ و سیاستهای کلی نظام در امنیت اقتصادی بخش نفت و گاز)</p>	<p>۸- افزایش سهم مردم در تولید ملی از طریق افزایش انگیزه و عزم ملی برای افزایش تولید ملی، رعایت انضباط مالی و بودجه‌ای دولت، رفع تبعیض بین بخش دولتی و بخشهای غیردولتی و خصوصی در دسترسی به اطلاعات و سایر موارد، حمایت از بنگاههای کوچک و متوسط و تسریع در تحقق کامل سیاستهای کلی اصل ۴۴.</p>
<p>✓ اصلاح ساخت تولید کشور: ۰۱-۰۱-۱۳۹۱</p>	<p>۹- تنظیم نقش نهادهای عمومی غیردولتی اقتصادی در جهت تولید ملی.</p>
<p>✓ جلوگیری از کمک به بنگاههایی که منابع مالی‌شان را در راه اعلام‌شده استفاده نکرده‌اند: ۱۳-۰۷-۱۳۹۰</p> <p>✓ جلوگیری از سوءاستفاده‌های ناشی از اطلاعات داخلی توجه به کیفیت در صادرات: ۲۶-۰۵-۱۳۹۰</p>	<p>۱۰- شفاف‌سازی و به‌هنگام‌سازی اطلاعات و دسترسی آسان فعالان اقتصادی به آن و اطلاع‌رسانی در مورد ابعاد و فرصتهای سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاران در رشته‌های مختلف.</p>
تسهیل تأمین اطلاعات مورد نیاز کارآفرینان به‌منظور رونق	

خواسته‌های مقام رهبری	متن پیش‌نویس سیاست‌های کلی
<p>تولید ملی (؟). مشخص شدن اولویت‌های اقتصادی کشور (؟).</p>	
<p>✓ مرتبط کردن تولید علم به رشد تولید ملی: ۱۳-۰۷-۱۳۹۰ توسعه‌ی فرصت‌های شغلی و کاهش بی‌کاری (دیدار با جمعی از کارآفرینان در سال ۱۳۸۹ و سیاست‌های کلی اشتغال) ایجاد ساز و کار لازم برای ارتباط فعالیت‌های تولیدی با مراکز دانشگاهی در جهت تولید محصولات باکیفیت (دیدار با نخبگان سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۸۸). ارتقاء کیفی منابع انسانی به‌لحاظ مهارتی (در جمع کارگران کارخانجات تولیدی سال ۱۳۹۱ و دیدار جمعی از کارآفرینان در سال ۱۳۸۹).</p>	<p>۱۱- توانمندسازی نیروی کار با افزایش انگیزه، بهره‌وری و خلاقیت نیروی کار و ایجاد تناسب بین آموزش و پژوهش دانشگاهها و مراکز پژوهشی با نیازهای بازار کار.</p>
<p>✓ اهمیت کارگر، تولیدگر و نیروی انسانی: ۱۰-۰۲-۱۳۹۱</p>	<p>۱۲- بسترسازی برای حرکت نیروی کار ایرانی در سطح ملی و منطقه‌ای.</p>
<p>✓ نیاز به احترام گذاشتن به کار و سرمایه برای ایجاد تولید ملی: ۱۰-۰۲-۱۳۹۱ ✓ ایجاد عزم در آحاد مردم برای اولویت‌دادن به مصرف محصول ملی: ۱۰-۰۲-۱۳۹۱ ✓ تجمیع تلاش مردم و مسئولان برای تشویق تولید ملی: ۱۰-۰۲-۱۳۹۱ ✓ ایجاد جریان سالم برای تولید و سرمایه‌گذاری به تلاش همه‌ی مردم و مسئولان نیاز دارد: ۱۰-۰۲-۱۳۹۱ ✓ استفاده از رسانه‌های جمعی برای فرهنگ‌سازی در اهمیت‌دادن به تولید ملی: ۱۰-۰۲-۱۳۹۱ ✓ سیاست‌گذاری تولیدمحور: ۱۰-۰۲-۱۳۹۱ ✓ الزام دستگاه‌های دولتی به مصرف کالاهای داخلی در موارد رقابتی بودن این کالاها: ۱۳-۰۷-۱۳۹۰ ✓ ایجاد فرهنگ حسن عمل در مورد محصولات صادراتی کشور: ۲۶-۰۵-۱۳۹۰ توسعه‌ی فرهنگ استفاده از تولیدات داخلی در میان مردم و مدیران دولتی (اجتماع کارگران کارخانجات تولیدی در سال ۱۳۹۱ و حرم رضوی در آغاز سال ۱۳۹۱).</p>	<p>۱۳- تقویت سرمایه‌ی اجتماعی و نهاد‌های حامی کار و سرمایه‌ی ایرانی از طریق فعال سازی مردم‌نهادها و با استفاده از نظرات متخصصان و صاحب‌نظران در تصمیمات اقتصادی.</p>
<p>✓ سیاست‌گذاری تولیدمحور: ۱۰-۰۲-۱۳۹۱ ✓ جهت‌دادن به تولید برای جلوگیری از تحریمها: ۱۳-۰۷-۱۳۹۰</p>	<p>۱۴- جلوگیری از اتلاف منابع کار و سرمایه‌ی ایرانی از طریق اقداماتی مانند ارائه‌ی خدمات فنی و مشاوره‌ای فرابنگاهی و</p>

متن پیش‌نویس سیاست‌های کلی	خواسته‌های مقام رهبری
ارتقاء بازده اقتصادی در بخش‌های مختلف اقتصادی.	
۱۵- گسترش تنوع ابزارهای سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه و تکمیل ساختارهای آن، و اعمال سیاست‌های تشویقی برای حضور عموم مردم و سرمایه‌گذاری منطقه‌ای در بازار سرمایه.	✓ سیاستگذاری تولیدمحور: ۱۰-۲-۱۳۹۱
۱۶- تشویق ورود سرمایه‌های ایرانی به حوزه‌ی سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر متضمن تحقیق و توسعه، از طریق تأسیس صندوق‌های شراکت در سرمایه‌گذاری و حمایت‌های قانونی برای محققان و سرمایه‌گذاران این حوزه.	✓ بالابودن بازده سرمایه‌گذاری برای تولید علم و نوآوری علمی در ایران: ۱۳-۷-۱۳۹۰
۱۷- کارآمدسازی مدیریت منابع موجود در صندوق توسعه ملی در تولید.	✓ سیاستگذاری تولیدمحور: ۱۰-۲-۱۳۹۱ ✓ توجه به استفاده از منابع صندوق توسعه ملی برای تولید ملی: ۱-۱-۱۳۹۱
۱۸- تنقیح و اصلاح قوانین و مقررات برای تسهیل فعالیت در بخش‌های تولیدی در سطح ملی با رویکرد ثبات نسبی در قوانین.	✓ سیاستگذاری تولیدمحور: ۱۰-۲-۱۳۹۱ ✓ مقابله با ورشکسته‌شدن سرمایه‌گذاران ایران به‌دلیل فقدان حمایت از تولید: ۱۳-۷-۱۳۹۰ ✓ بدحسابی‌نکردن دستگاه‌های دولتی با تولیدکنندگان داخلی: ۱۳-۷-۱۳۹۰
۱۹- کارآمدکردن نظام توزیع کالاها و خدمات با استفاده از ساز و کارهای شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی و کاهش واسطه‌های غیرضرور.	✓ سیاستگذاری تولیدمحور: ۱۰-۲-۱۳۹۱ ✓ اصلاح نظام توزیع کالا و خدمات (؟).
۲۰- گسترش منابع مالی و کارآمدسازی مدیریت آن در جهت افزایش ظرفیت تولید ملی و کاهش هزینه‌های تأمین مالی مورد نیاز، به‌ویژه با ساماندهی، گسترش و حمایت از نهادهای مالی توسعه‌ای و بیمه‌ای.	

۸- ارتباط بین بندهای پیش‌نویس سیاست‌های کلی و مشکلات ردیابی‌شده

تردیدی نیست که ذکر مشکلات فقط برای اعلام آنها نیست و سیاست‌های کلی پیشنهادی باید به‌ترتیبی به رفع یا کاهش آنها از منظر حاکمیتی، بپردازد. برای نمایش ارتباط بین بندهای مختلف سیاست‌های کلی پیشنهادی و مشکلات

موجود، جدولی در زیر ارائه شده است که نشان می‌دهد هر یک از بندهای سیاست‌های کلی پیشنهادی به کدام یک از بندهای مشکلات ارتباط پیدا می‌کند. در جدول دیده می‌شود که هر یک از بندهای سیاست‌های کلی دست‌کم به یکی از مشکلات برخاسته از آسیب‌شناسی ارتباط دارد. در تعداد زیادی از بندهای سیاست‌های کلی پیشنهادی، چندین مورد از مشکلات مد نظر قرار گرفته است. در هر صورت کل بندهای مشکلات ذکر شده در سیاست‌های کلی مشاهده می‌شود هر چند که شدت تأکید بر تمام مشکلات یکسان نیست. این تفاوت تأکید هم از منظر سیاستی قابل قبول است زیرا در مواردی، با آماده‌شدن زمینه‌ی فعالیت، فعالان بخش قادر خواهند بود گام‌های مؤثری به جلو بردارند.

پیش‌نویس سیاست‌های کلی نظام در مورد تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی و تطابق آن با

مشکلات شناسایی شده بر اساس آسیب‌شناسی وضعیت اقتصادی کشور

شماره‌ی مشکلات مربوط به آسیب‌شناسی	متن پیش‌نویس سیاست‌های کلی
بند ۲، بند ۳، بند ۵، بند ۱۹، بند ۲۳، بند ۲۹، بند ۳۴، بند ۳۵ و بند ۴۱.	۱- افزایش بهره‌وری عوامل تولید با هدف بالابردن قدرت رقابت، کاهش هزینه‌های تولید و بهبود کیفیت تولید و عوامل تولید از طریق تدابیر تشویقی و تنبیهی.
بند ۶، بند ۷، بند ۱۱، بند ۲۵، بند ۳۶ و بند ۴۱.	۲- تقویت و بهره‌گیری از تحقیق و توسعه و نوآوری در بخش‌های تولید، با هدف ارتقاء کیفیت تولید کالا و خدمات، و بالابردن درجه‌ی ساخت داخل تا محصول نهایی با حفظ رقابت‌پذیری و حمایت از نوآوری و تولیدات دانش‌بنیان.
بند ۱۲ و بند ۲۲.	۳- بازسازی ساختار تولید ملی با اعطای مشوق‌های لازم در جهت افزایش قدرت رقابتی کالاها و خدمات داخلی و گسترش محصولات با ماهیت راهبردی یا مورد نیاز مصارف عمومی یا بخش تولیدی کشور.
بند ۱۸ و بند ۲۳.	۴- فاصله‌گرفتن از خام‌فروشی و تکمیل زنجیره‌ی تولید از مواد خام تا محصولات نهایی در بازه‌ی زمانی معین.
بند ۳۸ و بند ۳۹.	۵- حمایت از تولید محصولات ارزآور.
بند ۳ و بند ۳۹.	۶- مدیریت منابع ارزی با تأکید بر تأمین نیازهای تولید ملی و کارآفرینان به ارز و ثبات ارزش پول ملی.
بند ۳، بند ۴، بند ۹ و بند ۱۰.	۷- بهبود فضای کسب و کار با هدف افزایش تولید ملی با اصلاح زمینه‌های قانونی، اجرایی، اداری و فرهنگی.
بند ۱۶.	۸- افزایش سهم مردم در تولید ملی از طریق افزایش انگیزه و عزم ملی برای افزایش تولید ملی، رعایت انضباط مالی و بودجه‌ای دولت، رفع تبعیض بین بخش دولتی و بخش‌های غیردولتی و خصوصی در دسترسی به اطلاعات و سایر موارد، حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط و تسریع در تحقق کامل سیاست‌های کلی اصل ۴۴.
بند ۱۶.	۹- تنظیم نقش نهادهای عمومی غیردولتی اقتصادی در جهت تولید ملی.

شماره‌ی مشکلات مربوط به آسیب‌شناسی	متن پیش‌نویس سیاست‌های کلی
بند ۱۳، بند ۱۷، بند ۲۱ و بند ۴۲.	۱۰- شفاف‌سازی و به‌هنگام‌سازی اطلاعات و دسترسی آسان فعالان اقتصادی به آن و اطلاع‌رسانی در مورد ابعاد و فرصت‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاران در رشته‌های مختلف.
بند ۲۵، بند ۲۷ و بند ۲۸.	۱۱- توانمندسازی نیروی کار با افزایش انگیزه، بهره‌وری و خلاقیت نیروی کار و ایجاد تناسب بین آموزش و پژوهش دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی با نیازهای بازار کار.
بند ۶.	۱۲- بسترسازی برای حرکت نیروی کار ایرانی در سطح ملی و منطقه‌ای.
بند ۱۴، بند ۴۳ و بند ۴۴.	۱۳- تقویت سرمایه‌ی اجتماعی و نهادهای حامی کار و سرمایه‌ی ایرانی از طریق فعال‌سازی مردم‌نهادها و با استفاده از نظرات متخصصان و صاحب‌نظران در تصمیمات اقتصادی.
بند ۲۵.	۱۴- جلوگیری از اتلاف منابع کار و سرمایه‌ی ایرانی از طریق اقداماتی مانند ارائه‌ی خدمات فنی و مشاوره‌ای فرابنگاهی و ارتقاء بازده اقتصادی در بخش‌های مختلف اقتصادی.
بند ۳۰، بند ۳۱، بند ۳۲، بند ۳۳، بند ۳۷، بند ۳۸، بند ۴۰ و بند ۴۴.	۱۵- گسترش تنوع ابزارهای سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه و تکمیل ساختارهای آن، و اعمال سیاست‌های تشویقی برای حضور عموم مردم و سرمایه‌گذاری منطقه‌ای در بازار سرمایه.
بند ۳۱.	۱۶- تشویق ورود سرمایه‌های ایرانی به حوزه‌ی سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر متضمن تحقیق و توسعه، از طریق تأسیس صندوق‌های شراکت در سرمایه‌گذاری و حمایت‌های قانونی برای محققان و سرمایه‌گذاران این حوزه.
بند ۳۷ و بند ۳۸.	۱۷- کارآمدسازی مدیریت منابع موجود در صندوق توسعه‌ی ملی در تولید.
بند ۸، بند ۲۰ و بند ۴۳.	۱۸- تنقیح و اصلاح قوانین و مقررات برای تسهیل فعالیت در بخش‌های تولیدی در سطح ملی با رویکرد ثبات نسبی در قوانین.
بند ۱۰ و بند ۱۵.	۱۹- کارآمدکردن نظام توزیع کالاها و خدمات با استفاده از ساز و کارهای شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی و کاهش واسطه‌های غیرضرور.
	۲۰- گسترش منابع مالی و کارآمدسازی مدیریت آن در جهت افزایش ظرفیت تولید ملی و کاهش هزینه‌های تأمین مالی مورد نیاز، به‌ویژه با ساماندهی، گسترش و حمایت از نهادهای مالی توسعه‌ای و بیمه‌ای.

۹- توجیه مفهومی بندهای پیش‌نویس سیاستهای کلی

با عنایت به مستندات ارائه‌شده، چارچوب هر یک از بندهای پیشنهادی برای سیاستهای کلی مشخص شده است. با وجود این لازم است منطق پیشنهاد هر یک از این بندها و مکانیزمی که با توسل به آنها این بندها می‌توانند مشکلات را کاهش بدهند، نیز باید مطرح شود. این کار در جدول زیر انجام شده است. در هر مورد ابتدا متن سیاستهای کلی پیشنهادی ارائه شده است و در زیر این متن، منطق و مکانیزم کاری این سیاستها ذکر شده است. دلایل توجیهی در هر مورد با رنگ آبی پررنگ نشان داده شده است.

فهرست بندهای پیش‌نویس سیاستهای کلی نظام در مورد تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی

متن پیش‌نویس سیاستهای کلی
<p>بند ۱: افزایش بهره‌وری عوامل تولید با هدف بالابردن قدرت رقابت، کاهش هزینه‌های تولید و بهبود کیفیت تولید و عوامل تولید از طریق تدابیر تشویقی و تنبیهی.</p> <p>توجیه بند: بالابردن قدرت رقابت محصولات ساخت داخل عامل پایداری حضور فعالیت در اقتصاد جهانی است. برخورداری از قدرت رقابت پایدار (Sustainable Competitive Advantage) می‌تواند عاملی پایدار در تداوم توسعه‌ی ملی باشد. در ادبیات اقتصادی، بحث در مورد اهمیت قدرت رقابت پایدار به سال ۱۹۶۵ و تحقیق الدرسون^(۱) برمی‌گردد. در حالت کلی گفته می‌شود که راز بقای بنگاههای اقتصادی به مدیریت درست و بهینه‌ی موارد زیر بستگی دارد: (۱) هزینه‌ی تولید، (۲) حجم تولید، (۳) تطابق کیفیت محصول تولیدی با ضوابط مورد قبول بازار، (۴) توانایی و توانمندی کیفی، (۵) مطمئن‌ماندن جریان تحویل از دیدگاه متقاضی، (۶) سرعت تحویل محصول، (۷) انعطاف‌پذیری بنگاه در عرضه‌ی محصول، (۸) انعطاف‌پذیری طراحی، و (۹) نوآوری^(۲). با این اوصاف، لازم است سیاستهای کلی در جبهتی باشد که پیوند بین قدرت رقابت و پایداری را در بخش تولید کشور تشویق نماید. کنترل هزینه‌های تولید یکی از کلیدی‌ترین عوامل در ایجاد قدرت رقابت است ولی این عامل باید با تداوم نوآوری و نهادینه‌کردن دانش در بخش تولید همراه شود^(۳). برخورداری از قدرت رقابت پایدار یکی از محورهای اصلی رهبری در پایداری کسب و کار (Business Sustainability Leadership) محسوب می‌شود. این موضوع در حال حاضر یکی از مباحث کلیدی در محافل جهانی است^(۴) که مراکز علمی، فناوری و تحقیقات جهان به آن می‌پردازند. موضوع گرانی قیمتها و زیادگویی قیمت (excessive prices) یکی از اساسی‌ترین مباحث ایجاد اختلال در قدرت رقابت است^(۵) که توجه محافل جهانی را به‌خود معطوف داشته است. بنگاهها در طول زمان باید بیاموزند که چگونه به قدرت رقابت پایدار دست یابند و لازم است در این راستا، سیاستهای موجود زمینه‌ی لازم را فراهم آورند^(۶).</p> <p>آمارهای مربوط به بهره‌وری سال ۲۰۱۰ میلادی نشان می‌دهد که در کشورهای منطقه‌ی یورو، ارزش محصول ناخالص ملی تولیدشده به‌ازای هر ساعت کار معادل ۴۹/۷۰ دلار آمریکا بوده است. این رقم نشان‌دهنده‌ی ارزش تولیدشده در گروه کشورها به‌ازای هر ساعت کار نیروی کار است که بازدهی کلی اقتصادهای مورد بحث را نمایش می‌دهد. در مقایسه با ارزش تولیدشده در هر ساعت کار در ایالات متحد آمریکا، ارزش تولیدشده در کشورهای منطقه‌ی یورو معادل ۸۴/۳۰ درصد بوده است؛ یعنی نیروی کار شاغل در کشورهای منطقه‌ی یورو به‌طور متوسط ۱۵/۷۰ درصد کمتر از آمریکا، ارزش تولید ایجاد کرده است. مقایسه‌ی کشورهای مختلف با یکدیگر می‌تواند وضعیت نسبی را کشورهای مختلف را نشان بدهد.</p>

از لحاظ شاخص رقابت‌پذیری، وضعیت ایران در دوره‌ی ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲، در رتبه‌ی ۶۲ در جهان بوده است در حالی که وضعیت کشور در دوره‌ی پیش از آن، رتبه‌ی ۶۹ بوده است. این نشان می‌دهد که مرتبه‌ی ایران از لحاظ شاخص رقابت‌پذیری بهبود یافته است ولی این بهبود بسیار کمتر از حدی است که بتواند ایران را در جایگاه برتر در جهان قرار بدهد. این وضعیت به‌خوبی نشان می‌دهد که بالابردن قدرت رقابت‌پذیری در بخش تولید بسیار ضرورت دارد. جدول وضعیت رقابت‌پذیری کشورها نیز در این بخش آورده شده است.^(۷)

قابل‌توجه است که بالابردن قدرت رقابت‌پذیری به‌عنوان یکی از خواسته‌های اساسی در کشورهای پیشرفته‌ی جهان هم مطرح شده است زیرا بدون برخورداری از رقابت‌پذیری پایدار، تداوم رشد اقتصادی و توسعه‌ی تولید ملی ناممکن دیده می‌شود. گزارش وضعیت قدرت‌رقابت اروپا در سال ۲۰۲۰ میلادی، یک نمونه از این وضعیت است.^(۸)

اگر سند چشم‌انداز مبنای مقایسه در مورد ایران باشد، ارزش تولیدشده به‌ازای هر ساعت کار در ایران باید با ارزش مشابه در کشورهای منطقه سنجیده شود. این مقایسه می‌تواند نشان دهد که ایران چگونه باید جهت‌گیریهای خود را برای برآورده‌شدن خواسته‌های سیاست‌های کلی نظام در مورد تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی مشخص نماید.

- 1- Alderson, Wroe. 1965. Dynamic Marketing Behavior: A Functionalist Theory of Marketing. Homewood, IL: Richard D. Irwin, Inc.
- 2- Shahbazpour, Mehdi and Rainer H. Seidel. (2006). Using Sustainability for Competitive Advantage. https://researchspace.auckland.ac.nz/bitstream/handle/2292/16700/Shahbazpour_166.pdf?sequence=2
- 3- Neeraj J. Gupta. (2011). Sustainability and Competitive Advantage: An Empirical Study of Value Creation. Competition Forum Vol. 9. Issue 1. pp. 121-136. http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2037493

۴- به‌عنوان مثال مراجعه شود به همایش رهبری در پایداری کسب و کار که در تاریخ ۱۲ تا ۱۴ ژوئن ۲۰۱۲ میلادی در سانفرانسیسکو در ایالت کالیفرنیا برگزار می‌شود و از جمله‌ی برگزارکنندگان آن دانشگاه وارتون و شرکتهای آی‌جی‌ل (IGEL) فعال در بخش کسب و کار و محیط‌زیست و اس‌ای‌پی (SAP) از سرآمدان فناوری نرم‌افزاری در جهان هستند. برای بررسی بیشتر، مراجعه شود به:

<http://igel.upenn.edu/pdf/BSL%20Flyer%20Draft.pdf>

- 5- OECD. (2011). Policy Round Table: Excessive Prices. <http://www.oecd.org/data-oecd/5/3/49604207.pdf>
- 6- Njuguna, John I. (2009). Strategic Positioning for Sustainable Competitive Advantage: An Organizational Learning Approach. KCA Journal of Business Management. Vol. 2. Issue 1. pp. 32-43. http://www.google.com/#hl=en&gs_nf=1&cp=42&gs_id=4m&xhr=t&q=index+of+sustainable+competitive+advantage&pf=p&scient=psyab&oq=index+of+sustainable+competitive+advantage&aq=f&aqi=&aql=&gs_l=&pbx=1&bav=on.2,or.r_gc.r_pw.r_qf.,cf.osb&fp=76b71a3030273bc6&biw=1518&bih=724
- 7- World Economic Forum. (2012). The Global Competitiveness Index 2011-2012 rankings. <http://www.weforum.org/gcr>
- 8- World Economic Forum. (2012). The Europe 2020 Competitiveness Report: Building a More Competitive Europe. The Global Competitiveness Network. ISBN-13: 92-95044-43-6. ISBN-10: 978-92-95044-43-2 [http://www3.weforum.org/docs/CSI/2012/-Europe2020 Competitiveness Report 2012.pdf](http://www3.weforum.org/docs/CSI/2012/-Europe2020%20Competitiveness%20Report%202012.pdf)

بانک اطلاعاتی سطح بهره‌وری نیروی کار در کل اقتصاد ملی در کشورهای مختلف

Variable	Gross Domestic Product, current prices, national currency millions	Purchasing Power Parities for total GDP, national currency per USD	Gross Domestic Product, current prices, USD millions	Average hours worked per person	Total employment (number of persons engaged)	Hours worked for total employment	GDP per hour worked, current prices, USD	GDP per hour worked as % of USA (USA=100)
Australia	1,357,192	1.51	898,883	1,687.00	11,388	19,212	46.80	79.40
Austria	286,197	0.85	335,652	1,599.00	4,232	6,769	49.60	84.10
Belgium	354,378	0.86	410,028	1,551.00	4,491	6,966	58.90	99.80
Canada	1,624,608	1.22	1,332,626	1,702.00	17,339	29,509	45.20	76.60
Chile	103,806,380	401.98	258,239	2,068.00	6,497	13,437	19.20	32.60
Czech Republic	3,775,237	14.22	265,510	1,795.00	5,055	9,072	29.30	49.60
Denmark	1,742,708	7.88	221,266	1,537.00	2,807	4,315	51.30	87.00
Estonia	14,305	0.52	27,315	1,880.00	551	1,035	26.40	44.70
Finland	180,253	0.92	196,218	1,690.00	2,426	4,100	47.90	81.20
France	1,932,802	0.87	2,214,425	1,439.00	26,679	38,379	57.70	97.90
Germany	2,476,800	0.81	3,058,645	1,408.00	40,553	57,087	53.60	90.90
Greece	227,318	0.71	321,469	2,017.00	4,743	9,567	33.60	57.00
Hungary	26,747,662	130.19	205,454	1,956.00	4,032	7,886	26.10	44.20
Iceland	1,537,106	135.62	11,334	1,697.00	167	283	40.10	68.00
Ireland	155,992	0.86	181,078	1,540.00	1,848	2,846	63.60	107.90
Israel	813,021	3.73	217,954	1,929.00	3,214	6,200	35.20	59.60
Italy	1,548,816	0.81	1,923,726	1,778.00	24,658	43,842	43.90	74.40
Japan	479,179,200	111.45	4,299,316	1,733.00	63,013	109,196	39.40	66.80
Korea	1,172,803,400	824.57	1,422,315	2,193.00	23,816	52,230	27.20	46.20
Luxembourg	40,267	0.92	43,665	1,616.00	359	579	75.30	127.80
Mexico	13,076,023	7.92	1,650,207	1,866.00	44,670	83,342	19.80	33.60
Netherlands	588,414	0.84	700,605	1,377.00	8,644	11,906	58.80	99.80
New Zealand	197,208	1.51	130,953	1,758.00	2,190	3,850	34.00	57.70
Norway	2,496,178	9.02	276,802	1,413.00	2,600	3,675	75.30	127.80
Poland	1,415,362	1.86	759,272	1,939.00	15,876	30,784	24.70	41.80
Portugal	172,799	0.64	270,727	1,714.00	4,937	8,462	32.00	54.30
Slovak Republic	65,887	0.52	126,534	1,749.00	2,154	3,767	33.60	57.00
Slovenia	35,416	0.64	55,170	1,676.00	959	1,607	34.30	58.20
Spain	1,062,591	0.72	1,484,885	1,674.00	18,790	31,459	47.20	80.10
Sweden	3,308,061	9.03	366,305	1,624.00	4,525	7,346	49.90	84.60
Switzerland	550,571	1.52	363,005	1,636.00	4,588	7,508	48.30	82.00
Turkey	1,103,750	0.97	1,141,250	1,877.00	23,073	43,316	26.30	44.70
United Kingdom	1,455,397	0.66	2,208,175	1,647.00	29,043	47,836	46.20	78.30
United States	14,447,100	1.00	14,447,100	1,695.00	144,581	245,047	59.00	100.00
Russian Federation	44,939,153	15.94	2,819,599	1,973.00	69,362	136,862	20.60	34.90
G7 countries	29,619,448	1,651.00	345,803	570,895	51.60	87.60
Euro area	11,320,177	1,564.00	145,796	228,369	49.70	84.30
OECD-30	41,339,559	1,712.00	542,990	930,134	44.40	75.30
OECD Total	41,898,406	1,718.00	554,173	952,413	43.90	74.50

data extracted on 20 May 2012 20:29 UTC (GMT) from OECD.Stat

شاخص رقابت‌پذیری کشورهای مختلف جهان بر اساس محاسبات مجمع جهانی اقتصاد

Country/Economy	GCI 2011-2012		GCI 2010-2011		Change
	Rank	Score	Rank	Score	
Switzerland	1	5.74	1	5.74	0
Singapore	2	5.63	3	5.63	1
Sweden	3	5.61	2	5.61	-1
Finland	4	5.47	7	5.47	3
United States	5	5.43	4	5.43	-1
Germany	6	5.41	5	5.41	-1
Netherlands	7	5.41	8	5.41	1
Denmark	8	5.40	9	5.40	1
Japan	9	5.40	6	5.40	-3
United Kingdom	10	5.39	12	5.39	2
Hong Kong SAR	11	5.36	11	5.36	0
Canada	12	5.33	10	5.33	-2
Taiwan, China	13	5.26	13	5.26	0

Qatar	14	5.24	17	3
Belgium	15	5.20	19	4
Norway	16	5.18	14	-2
Saudi Arabia	17	5.17	21	4
France	18	5.14	15	-3
Austria	19	5.14	18	-1
Australia	20	5.11	16	-4
Malaysia	21	5.08	26	5
Israel	22	5.07	24	2
Luxembourg	23	5.03	20	-3
Korea, Rep.	24	5.02	22	-2
New Zealand	25	4.93	23	-2
China	26	4.90	27	1
United Arab Emirates	27	4.89	25	-2
Brunei Darussalam	28	4.78	28	0
Ireland	29	4.77	29	0
Iceland	30	4.75	31	1
Chile	31	4.70	30	-1
Oman	32	4.64	34	2
Estonia	33	4.62	33	0
Kuwait	34	4.62	35	1
Puerto Rico	35	4.58	41	6
Spain	36	4.54	42	6
Bahrain	37	4.54	37	0
Czech Republic	38	4.52	36	-2
Thailand	39	4.52	38	-1
Tunisia	40	4.47	32	-8
Poland	41	4.46	39	-2
Barbados	42	4.44	43	1
Italy	43	4.43	48	5
Lithuania	44	4.41	47	3
Portugal	45	4.40	46	1
Indonesia	46	4.38	44	-2
Cyprus	47	4.36	40	-7
Hungary	48	4.36	52	4
Panama	49	4.35	53	4
South Africa	50	4.34	54	4
Malta	51	4.33	50	-1
Sri Lanka	52	4.33	62	10
Brazil	53	4.32	58	5
Mauritius	54	4.31	55	1
Azerbaijan	55	4.31	57	2
India	56	4.30	51	-5
Slovenia	57	4.30	45	-12
Mexico	58	4.29	66	8
Turkey	59	4.28	61	2
Montenegro	60	4.27	49	-11
Costa Rica	61	4.27	56	-5
Iran, Islamic Rep.	62	4.26	69	7
Uruguay	63	4.25	64	1
Latvia	64	4.24	70	6
Vietnam	65	4.24	59	-6
Russian Federation	66	4.21	63	-3
Peru	67	4.21	73	6
Colombia	68	4.20	68	0
Slovak Republic	69	4.19	60	-9
Rwanda	70	4.19	80	10
Jordan	71	4.19	65	-6

Kazakhstan	72	4.18	72	0
Morocco	73	4.16	75	2
Bulgaria	74	4.16	71	-3
Philippines	75	4.08	85	10
Croatia	76	4.08	77	1
Romania	77	4.08	67	-10
Albania	78	4.06	88	10
Macedonia, FYR	79	4.05	79	0
Botswana	80	4.05	76	-4
Trinidad and Tobago	81	4.00	84	3
Ukraine	82	4.00	89	7
Namibia	83	4.00	74	-9
Guatemala	84	4.00	78	-6
Argentina	85	3.99	87	2
Honduras	86	3.98	91	5
Algeria	87	3.96	86	-1
Georgia	88	3.95	93	5
Lebanon	89	3.95	92	3
Greece	90	3.92	83	-7
El Salvador	91	3.89	82	-9
Armenia	92	3.89	98	6
Moldova	93	3.89	94	1
Egypt	94	3.88	81	-13
Serbia	95	3.88	96	1
Mongolia	96	3.86	99	3
Cambodia	97	3.85	109	12
Syria	98	3.85	97	-1
Gambia, The	99	3.84	90	-9
Bosnia and Herzegovina	100	3.83	102	2
Ecuador	101	3.82	105	4
Kenya	102	3.82	106	4
Bolivia	103	3.82	108	5
Benin	104	3.78	103	-1
Tajikistan	105	3.77	116	11
Ethiopia	106	3.76	119	13
Jamaica	107	3.76	95	-12
Bangladesh	108	3.73	107	-1
Guyana	109	3.73	110	1
Dominican Republic	110	3.73	101	-9
Senegal	111	3.70	104	-7
Suriname	112	3.67	n/a	n/a
Zambia	113	3.67	115	2
Ghana	114	3.65	114	0
Nicaragua	115	3.61	112	-3
Cameroon	116	3.61	111	-5
Malawi	117	3.58	125	8
Pakistan	118	3.58	123	5
Cape Verde	119	3.58	117	-2
Tanzania	120	3.56	113	-7
Uganda	121	3.56	118	-3
Paraguay	122	3.53	120	-2
Belize	123	3.52	n/a	n/a
Venezuela	124	3.51	122	-2
Nepal	125	3.47	130	5
Kyrgyz Republic	126	3.45	121	-5
Nigeria	127	3.45	127	0
Mali	128	3.39	132	4
Côte d'Ivoire	129	3.37	129	0

Madagascar	130	3.36	124	-6
Timor-Leste	131	3.35	133	2
Zimbabwe	132	3.33	136	4
Mozambique	133	3.31	131	-2
Swaziland	134	3.30	126	-8
Lesotho	135	3.26	128	-7
Burkina Faso	136	3.25	134	-2
Mauritania	137	3.20	135	-2
Yemen	138	3.06	n/a	n/a
Angola	139	2.96	138	-1
Burundi	140	2.95	137	-3
Haiti	141	2.90	n/a	n/a
Chad	142	2.87	139	-3

بند ۲: تقویت و بهره‌گیری از تحقیق و توسعه و نوآوری در بخشهای تولید، با هدف ارتقاء کیفی تولید کالا و خدمات، و بالابردن درجه‌ی ساخت داخل تا محصول نهایی با حفظ رقابت‌پذیری و حمایت از نوآوری و تولیدات دانش‌بنیان.

توجیه بند: بر اساس بررسیهای نظری و کاربردی، پژوهش و گسترش (تحقیق و توسعه) همراه با مدیریت کلی کیفیت (Total Quality Management) می‌تواند به بهبود ملموس کیفیت محصول تولیدی بینجامد تا در نهایت جایگاه محصول را در بازار مستحکم سازد^(۱). نوآوری هسته‌ی اصلی و خواسته‌ی اصولی برخاسته از پژوهش و گسترش است. به‌گفته‌ی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه نوآوری عبارت است از به‌کارگیری محصول (شامل کالا و خدمات)، فرآیند، روش بازاریابی یا ساخت سازمانی جدید و متکی به اصلاحات قابل‌ملاحظه در کسب و کار، کارگاه یا روابط بیرونی بنگاه^(۲). این تعریف به‌روشنی نشان می‌دهد که نوآوری مبحثی فراگیر است که ابعاد مختلف کسب و کار را پوشش می‌دهد، ولی حاصل آن افزایش ملموس قدرت رقابت بنگاه است. نوآوری می‌تواند در تمام زمینه‌ها و مراحل فعالیت اقتصادی انجام شود و حاصل آن بهبود قدرت رقابت بنگاه باشد.

خواسته‌ی این بند از سیاستهای کلی، آن است که فعالیت پژوهش و گسترش باید به‌صورت جدی تقویت شود تا جهشی در این فعالیت در سطح ملی پدید آید. بدون این جهش، به‌نظر نمی‌رسد که فعالیت پژوهش و گسترش بتواند در سطحی قرار بگیرد که موتور حرکت تولید ملی و برآورده‌شدن خواسته‌های سند چشم‌انداز باشد. وجود نیاز به جهش در پژوهش و گسترش به این معنا است که همه‌ی فعالان اقتصادی باید مسئول شوند که در فعالیتهای خود در پی دستیابی به نوآوری باشند و روابط کاری خود را بهبود ببخشند.

برای ایجاد جهش در پژوهش و گسترش در کشور، بنیاد ملی پژوهش و گسترش باید تأسیس شود تا وظیفه‌ی هماهنگ‌سازی و شفاف‌سازی رفتار جهش را برعهده بگیرد. این بنیاد وظیفه دارد که سیاست ملی نوآوری (NIF = National Innovation Foundation) را تدوین کند، تبعیت اقتصاد ملی از این سیاست را ارزیابی نماید و برای اجرای تمام و کمال آن سیاست تلاش نماید. مهمترین وظیفه‌ی این بنیاد عبارت است از:

- ✓ اجرای نقش واسطه‌ی انگیزش برای گسترش مشارکت دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی با صنایع کشور در انجام تحقیقات با تکیه بر سیاستهایی مانند اعطای بودجه‌های ویژه‌ی تحقیقاتی به این نوع مشارکتها.
- ✓ گسترش نوآوری منطقه‌ای با تکیه بر سیاستهایی مانند اعطای بودجه‌ها و مشارکتهای حمایتی در فعالیتهای تجاری‌سازی نوآوریها.
- ✓ تشویق استفاده از فناوریهای نو در بنگاههای اقتصادی، به‌ویژه در بنگاههای کوچک و متوسط با تکیه بر

حمایت برای اصلاح ساخت این بنگاهها.

- ✓ حمایت از هم‌بندهای صنعتی منطقه‌ای (regional industry clusters) برای فراگیر کردن فعالیت تولیدی متکی به هم‌بندها (cluster-based production activity).
- ✓ تأکید بر بهبود عملکرد و پاسخگویی با تکیه بر اندازه‌گیری نوآوری، تلاش برای دستیابی به نوآوری و بالابردن ارزش افزوده‌ی بنگاهها.
- ✓ اعطای پاداش برای رکورد‌گذاری در نوآوری در سطح ملی، استانی و بخشی، و
- ✓ ارائه‌ی خدمات کارشناسی و تخصصی در مورد نوآوری و جهت‌گیری‌های آن در کشور، به بنگاهها، مراکز تحقیقاتی و نهادهای فعال در امر نوآوری در کشور.

تجربه‌ی کشورهای صنعتی نشان داده است که وجود بنیاد ملی نوآوری می‌تواند در تجهیز نیروهای ملی برای تمرکز بر پژوهش و گسترش و تقویت نوآوری، اثرگذار باشد^(۳). برخورداری از قدرت رقابت متکی به نوآوری (innovation-based competitiveness) الزامی است که می‌تواند تولید ملی را شکوفا کند و به سرمایه‌گذارهای ملی توان بقا در سطح جهان را ببخشد. برای ارزیابی مطلوبیت سیاست نوآوری از شاخص جهانی سیاست نوآوری (The Global Innovation Policy Index) استفاده می‌شود. این باور وجود دارد که کشورهایی که بهترین سیاست نوآوری را دارند، سیاستهای خود را چنان هماهنگ می‌کنند که تخصص، تحقیقات علمی، فناوریهای اطلاعات و ارتباطات، مالیات، تجارت، مالکیت معنوی، خریدهای دولت، استانداردها و مقررات همه چنان با یکدیگر تلفیق شود که به تقویت رشد اقتصادی متکی به نوآوری منجر شوند. این مجموعه نشان می‌دهد که برای آن که جهش نوآوری به افزایش رشد پایدار منجر شود، لازم است سیاست نوآوری سنجیده و براننده عمل کند.

وظیفه‌ی کلی بنیاد ملی پژوهش و گسترش می‌تواند به صورت نمودار زیر و در سه حوزه‌ی اصلی (یک) تلفیقی، (دو) اجرایی و (سه) زیرساخت تعریف شود^(۴). در شاخه‌ی وظیفه‌ی تلفیقی بنیاد، اقداماتی مانند برنامه‌ریزی برای راهبرد پژوهش و گسترش در بنگاههای مختلف تعریف می‌شود. هم‌سو کردن این برنامه‌ها سبب می‌شود که کارآیی برنامه‌های راهبردی بنگاهها افزایش یابد و از این راه زمینه برای جهش در نوآوری آماده شود. در شاخه‌ی وظیفه‌ی اجرایی بنیاد مباحث مختلفی مطرح می‌شود که از آن جمله می‌توان به:

(۱) فروش و بازاریابی،

(۲) پژوهش و گسترش،

(۳) تولید و

(۴) زنجیره‌ی تولید،

اشاره کرد. در هر زمینه اقداماتی باید انجام شود تا کل مجموعه‌ی اقتصاد کشور بتواند همسو و هماهنگ در جهت بالابردن جهش توان فنی خود فعال شود. در شاخه‌ی وظیفه‌ی زیرساختی، لازم است بنیاد به عوامل تولید و توانمند کردن آنها به صورتی هماهنگ بپردازد. در این شاخه موارد زیر به عنوان عمده‌ترین موضوعها مطرح می‌شود:

(۱) مدیریت سرمایه‌ی انسانی در بنگاهها،

(۲) طراحی دوباره‌ی مهندسی کسب و کار (Business Process Re-engineering = BPR)،

(۳) مدیریت سازمان و

(۴) دامنه‌ی استفاده از فناوری اطلاعات در کسب و کار.

این مجموعه‌ی گسترده باید به‌صورتی فعال شود که در نهایت بنگاه‌ها بتوانند با شدتی ملموس و بالارونده، به نوآوری پردازند و کسب‌وکار کارآیی بیشتری بیابند. در نهایت این مجموعه باید در چارچوب گزارشهای دوره‌ای مستمر انتشار داده شود تا ضمن افزایش شناخت در زمینه‌های مربوط به نوآوری، درجه‌ی پیشبرد علمی و فنی و کشور هم شناسایی شود.^(۵)

پوشش فعالیت بنیاد ملی پژوهش و گسترش

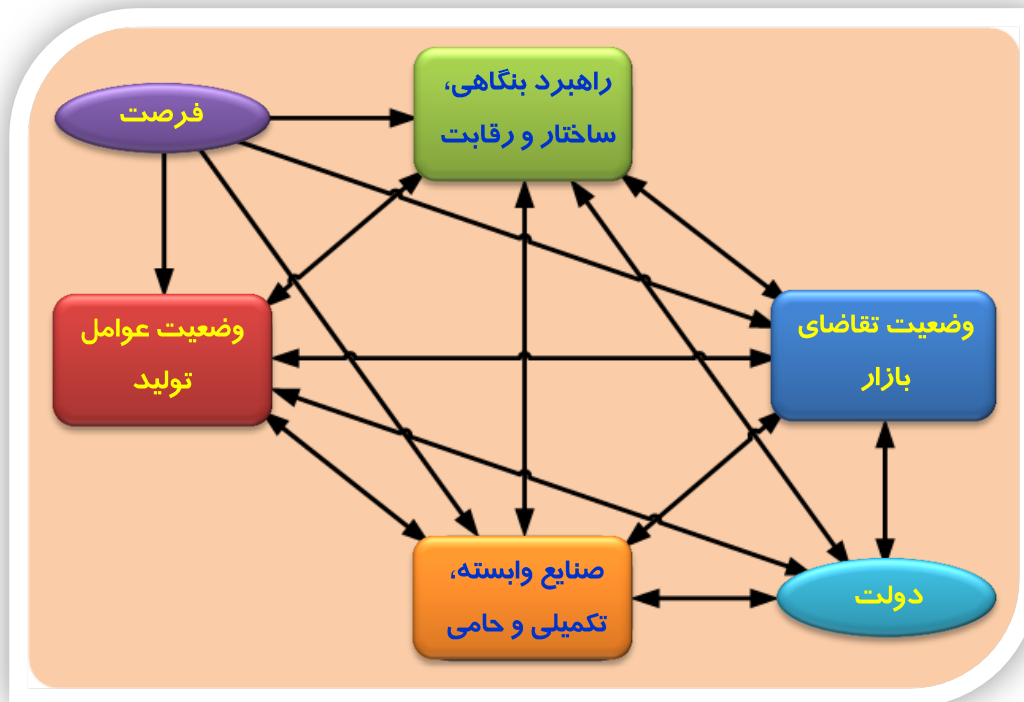


در چارچوب نگرش این بند از سیاست کلی، هدف اصلی از انجام فعالیت پژوهش و گسترش متکی به نوآوری عبارت است از: (۱) بهبود کیفیت محصولات تولیدشده در کشور، (۲) بالابردن درجه‌ی ساخت بدون افت قدرت رقابت، (۳) برخوردار شدن از مزیت رقابتی در بازار، و (۴) روی‌آوری به دانش‌بنیانی با هدف جلب سرمایه‌ها. نگاه به تولید در این بند، نگاهی متکی به توسعه‌ی پایدار است. در مورد هر چهار خواسته می‌توان نشان داد که ادبیات اقتصادی نظری و کاربردی وجود دارد و در بیشتر موارد نگرش متکی به توسعه‌ی پایدار در پس این ادبیات دیده می‌شود.

در مورد نوآوری‌های ایجادکننده بهبود کیفیت، نظریه‌های اقتصادی نشان می‌دهند که پیشرفتهای فنی در واقع موتور حرکت توسعه‌ی درازمدت اقتصاد است و این پیشرفتها فقط با نوآوری حاصل می‌شود. چارچوبهای فکری مدون‌شده توسط شومپیتر (Schumpeter) در مورد الگوی رشد متکی به نوآوری‌های بهبوددهنده کیفیت، پایه‌ی نگرش بر نیاز به نوآوری ایجادکننده بهبود کیفیت را تشکیل می‌دهد^(۴) و^(۷) چنین نگرشی قادر است جنبه‌های کلان الگوی رشد را با برخی از جنبه‌های خرد آن پیوند بدهد و تعامل بین بنگاههای اقتصادی و کل اقتصاد ملی را مشخص نماید. در این الگو، گروههایی که از نوآوری نفع می‌برند و آنها که زیان می‌بینند، با عنایت به سیاستهای درون‌بنگاهی مشخص می‌شوند. تداوم بهبود کیفیت با استفاده از نوآوری‌های مداوم، عاملی است که رشد اقتصادی کشور را پایدار می‌سازد.

شرط برخورداری از مزیت رقابتی در واقع بر اساس الگوی بسیار معروف مایکل پورتر در کتاب معروف

وی با عنوان مزیت‌های رقابتی ملت‌ها (The competitive advantage of nations) طراحی شده است. این الگو در زمان حاضر به‌عنوان یکی از محوری‌ترین الگوهای رفتاری در بخش کسب و کار کاربرد یافته است. در نمودار الماس مزیت‌های ملی پورتر (Porter's Diamond of National Advantage) نشان داده شده است.^(۸) کارکرد الگوی پورتر بر تحلیل هم‌نهادها (Clusters) استوار است. همانطور که در نمودار مشاهده می‌شود، چهار محور اصلی عبارتند از (۱) راهبرد بنگاهی، ساختار و رقابت، (۲) وضعیت تقاضای بازار، (۳) وضعیت عوامل تولید و (۴) صنایع وابسته، تکمیلی و حامی. دو عامل دیگر هم بر این مجموعه اثر می‌گذارند که عبارتند از: الف) فرصت‌های موجود و ب) وضعیت عملکرد دولت در اقتصاد ملی.



در مورد نوآوری‌های متکی به تحول دانش‌بنیانی، یک نمونه‌ی مشخص برنامه‌ی ده‌ساله‌ی آفریقای جنوبی است که دوره‌ی ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ را پوشش می‌دهد. هدف از این برنامه ایجاد نوعی جهت‌گیری در نوآوری‌ها است که بتواند اقتصاد آفریقای جنوبی را اقتصادی دانش‌بنیان بنماید.^(۹) وجود این برنامه سبب می‌شود که تولید ملی به‌سمت تکیه بر دانش فنی و دانش‌بنیانی حرکت کند.

تحقیق انجام‌شده در سازمان توسعه‌ی صنعتی سازمان ملل متحد (United Nations Industrial Development Organization = UNIDO) نشان می‌دهد که داشتن یک راهبرد منطقه‌ای برای نوآوری می‌تواند به کشورهای در حال توسعه کمک کند.^(۱۰) این راهبرد می‌تواند در تعامل سازنده بین ایران و کشورهای منطقه، که یکی از خواسته‌های سند چشم‌انداز است، اثرگذار باشد. به این ترتیب به‌نظر می‌رسد که می‌توان یک الگوی ملی-منطقه‌ای برای تحولات متکی کردن فعالیت‌های اقتصادی به دانش‌بنیانی، طراحی کرد.

1- Prajogo, Daniel I. and Amrik S. Sohal. (2006). The integration of TQM and technology / R&D management in determining quality and innovation performance. Omega Vol. 34. pp. 296 – 312. <http://p30bazar.persiangig.com/pdf/65.pdf>

2- Rosanna Pittliglio; Edgardo Sica; and Stefania Villa. (2009). Innovation and Internationalization: The Case of Italy. Journal of Technology Transfer. Vol. 34. No. 6. pp.

588-602.

- 3- Atkinson, Robert and Howard Wial. (2008). Boosting Productivity, Innovation and Growth through a National Innovation Foundation. The Information, Technology and Innovation Foundation (ITIF). Metropolitan Policy Program at Brookings. Blueprint for American Prosperity. April. <http://www.itif.org/files/NIF.pdf>
- 4- Nomoto, Shinichiro. (2010). Latest Boosting R&D Management Process Techniques. Japan Management Association Consultants (JMAC) Inc. Research, Development and Engineering Management Innovation Department. 12th October. http://documents.eu-japan.eu/seminars/europe/wcm_rd/presentation_nomoto.pdf
- 5- National Science Board. (2012). Science and Engineering Indicators 2012. <http://www.nsf.gov/statistics/seind12/pdf/seind12.pdf>
- 6- Aghion, Philippe; and Peter. Howitt. (1998). Endogenous Growth Theory. MIT Press. Cambridge, MA.
- 7- ---. (2004). Growth with Quality-Improving Innovations: An Integrated Framework. 15th November. In: Handbook of Economic Growth. http://www.econ.brown.edu/fac/peter_howitt/publication/ahhandbook.pdf
- 8- Porter, M. E. (1990). The competitive advantage of nations. New York: Free Press.
- 9- Department of Science and Technology. (2007). Innovation Towards a Knowledge-based Economy: Ten-Year Plan for South Africa. (2008 – 2018). http://www.innovationeasterncape.co.za/download/sa_ten_year_innovation_plan.pdf
- 10- Cook, Philip and Olga Memedovic (2003). Strategies for Regional Innovation Systems: Learning Transfer and Applications. UNIDO. Centre for Advanced Studies, Cardiff University and UNIDO, Strategic Research and Economics Branch. http://www.unido.org/fileadmin/user_media/Publications/Pub_free/Strategies_for_regional_innovation_systems.pdf

بند ۳: بازرسازی ساختار تولید ملی با اعطای مشوقهای لازم در جهت افزایش قدرت رقابتی کالاها و خدمات داخلی و گسترش محصولات با ماهیت راهبردی یا مورد نیاز مصارف عمومی یا بخش تولیدی کشور. توجیه بند: بازرسازی ساخت تولید ملی به معنی تغییر ساماندهی فعالیتهای تولیدی است. همیشه در جریان بازرسازی باید جهت گیری مشخص شود. سمت و سوی برگزیده در این بند شامل، جهت گیری برای (۱) افزایش قدرت رقابت، (۲) تولید محصولات راهبردی با انگیزه‌ی کاهش وابستگی راهبردی به جهان، و (۳) تولید کالاهای مورد نیاز مصرف عامه یا بخش تولیدی به صورتی است که مصرف کنندگان از خرید محصولات ایرانی زیان نکنند.^(۱) بخشهایی از فعالیتهای ذکر شده برای نوآوری و پژوهش و گسترش هم جهت گیریهای بازرسازی ساخت اقتصاد ملی را مشخص می‌سازد.

1. Ministry of Economic Affairs, Agriculture and Innovation. (2011). Manual on Strategic Goods for the Netherlands. August. https://doc-04-84-docsviewer.googleusercontent.com/viewer/securedownload/nt89fnrsf4modsindbc01ma77rj8l2b2/uhn_g4bfhjqas59jh7d4kvn87vli8ti48/1337694300000/Ymw=/AGZ5hq_1lAsoyGoyMtLq4QFIE7vn/QURHRUVTaE1ielk0QUx4ekR5ZTdxUU5qWTd2Yjh2UW1HSzU2WVlFsfVfbGlvVDB5Z0N0Ofd5aVZrRWIYQIVIMndnOWhLTEI2Z2VQY2RydZlqWHUxRFIXaGhBTEVZa2Y2NS1hSHBQX0tNVXZachZ3Yy1kTlp0VFVGVtZWUm5HOGwyTUpiY2RuLUUpKRkU=?docid=e79ff9583c18bac3dd2d251f160b253a&chan=EQAAAKBbtgFNELGYFevbWbw6sf3RbAOx1kCMBqnRUfeLUjny&sec=AHsqidZp1c4Gp44W6oG2uWXq3k2om_hlRqwHc2tVF5dUmRsdXs1WDyUP_w6q3BvAtGUH2ldGchGOGCKGVYX0D6n_hSk4V_8haag1aAnlVFVGKxDpBhXRxpMe6ybe2Fvj6N_T2gdboCJPKimaDby3p1rCgyW30AlEUNb_Hwg

rhi2pRX4-sDBS8rdpTJNNKqoIVVPZS3ArSQfYl8HF7jxGoGfSI8tr5RCdrA_uvwnh40KR-0680GAB_T5kqV0010M7Bvah1YwIFokgpxpump6NsJzmlKKcilvVMMmzh4_gURJVvATKft2pOwfxXVOlsPazmKvey41pKiNNAideJDxZvY0HT5z3ITaZG_vm4C5bKOpdPDmLWoSUo4eowC_q_5FXiQffVU2o&a=gp&filename=manual-on-strategicgoodsaug-2011.pdf&nonce=igtjmnrS0vb2k&user=AGZ5hq_1lAsoyGoyMtLq4OFIE7vn&hash=aloi5l9esmrvurnkuuegtrc76726cti

بند ۴: فاصله گرفتن از خام‌فروشی و تکمیل زنجیره‌ی تولید از مواد خام تا محصولات نهایی در بازه‌ی زمانی معین.

توجیه بند: بالابردن درجه‌ی ساخت که در تفسیر کلی به معنی تکمیل زنجیره‌ی تولید با فعالیتهای داخلی است، در سند حاضر با این شرط همراه شده است که در جریان تکمیل زنجیره‌ی تولید، قدرت رقابت کاهش نیابد. به این ترتیب، عملکرد رقابتی محور این بند از سند سیاستهای کلی است. بحث کلی در این مورد آن است که تکمیل زنجیره‌های تولید عامل بالابردن ارزش افزوده در سطح ملی می‌شود ولی این افزایش نباید با کاهش قدرت رقابت همراه شود زیرا در صورت کاهش قدرت رقابت، بازارهای کشور کوچک می‌شوند و قدرت درآمدزایی کاهش می‌یابد. در اصطلاح کلی، اگرچه اجتناب از خام‌فروشی یک گام مثبت در جهت تکمیل زنجیره‌های تولید است، این خواسته نباید با کاهش قدرت رقابت در کل فعالیت همراه شود زیرا در حالت اخیر، کوچک‌شدن بازار سبب ازدست‌دادن درآمد خواهد شد^{(۱) و (۲)}.

مطالعاتی که در مورد حمایت در کشورهای در حال توسعه انجام شده است، نشان می‌دهد که تخصیص ناپیینه‌ی منابع یکی از مهمترین محورهای ازدست‌دادن محصول واقعی (real output) بوده است. الگوهای معروف دو-شکاف (two-gap models) که توسط شنری (Chenery) و استروت (Strout) بیان شده است، می‌تواند وضعیت رفتاری کشورهایی را نشان بدهد که سیاستهای حمایتی را برمی‌گزینند. در این الگو موارد زیر پوشش داده شده است: ۱) حالتی که جایگزین کردن تولید ملی با واردات که با هدف صرفه‌جویی در مصرف ارز انجام می‌پذیرد، زیر پوشش سیاست حمایت از یک صنعت ناکارآمد، در توصیف کاهش در واردات زیاده‌روی می‌کند، و ۲) حالتی که حمایت فقط در مورد صنایع جایگزین واردات انجام شود و این امر به مقدار افزایش صادرات، یا مقدار افزایش در ارز دریافتی کشور، کمتر از مقدار واقعی دیده شود. مشکلات هر دو نگرش در الگوهای دو-شکاف به‌دقت دیده شده است^{(۳) و (۴)}. با عنایت به این الگوها و مسائلی که نگرش یک‌سویه به افزایش ارزآوری ناخالص یا کاهش ناخالص مصرف ارز در چارچوب جایگزینی واردات وجود دارد، سیاست کلی حاضر به معیار خالص ارزآوری عنایت می‌نماید.

برای ارزیابی پروژه‌های تولیدی، لازم است ضوابط فراگیر ارزیابی مد نظر قرار بگیرد^(۵) و در این چارچوب، معیار بسیار مهم، خالص ارزآوری پروژه‌ها باشد.

1. Bekefi, Tamara. (2006). Tanzania: Lessons in Building Linkages for Competitive and Responsible Entrepreneurship. The United Nations Industrial Development Organization (UNIDO) and Kennedy School of Government. Harvard University. ISBN 92-1-106434-1. http://www.unido.org/fileadmin/import/69451_CSRI_09.pdf
2. UNIDO. (2009). Developing a Value-Chain Diagnostic Tool for Common Practice at Unido: Expert Group Meeting Report. 23rd to 25th September. Vienna. http://www.unido.org/fileadmin/user_media/Publications/Pub_free/Developing_a_value_chain_diagnostics_tool_for_common_practice_at_UNIDO.pdf
3. Chenery, Hollis B. and Alan M. Strout. (1965). Foreign Assistance and Economic Development. American Economic Review. Vol. 66. pp. 679-733. Also: Department

of State. Agency for International Development. Office of Program Coordination. Washington, D. C. Discussion Paper No. 7. (Revised). June. http://pdf.usaid.gov/pdf_docs/PNABQ351.pdf

4. Easterly, William. (1999). The Ghost of Financing Gap: Testing the Growth Model Used in the International Financial Institutions. Journal of Development Economics. Vol. 60. Issue 2. pp. 423-438. December. http://www.cgdev.org/doc/expert%20pages/easterly/easterly_ghost.pdf
5. Unido. (1968). Manual for Evaluation of Industrial Projects. Prepared jointly by the United Nations Industrial Development Organization and the Industrial Development Centre for Arab States. http://www.unido.org/fileadmin/user_media/Publications/download/Manual for Evaluation of Industrial Projects.pdf

بند ۵: حمایت از تولید محصولات ارز آور.

توجیه بند: در این محور بحث حمایت از تولید محصولات ارز آور هم مطرح شده است. در حالت کلی، یکی از معیارهای برخورداری از قدرت خرید بین‌المللی، ایجاد وضعیتی است که در آن شرط **خالص ارزآوری** تولید کشور نسبت به صادرات (Net Foreign Exchange Earning as a Percentage of Export = NFEP) برقرار شود. این معیار نشان‌دهنده‌ی اهمیت تولید در دستیابی به منابع ارزی قدرتمند است. هر قدر خالص ارزآوری صادرات کشور بیشتر باشد، توانایی کشور در تدوین خواسته‌هایش در سطح جهانی بیشتر می‌شود. با عنایت به اهمیت خالص ارزآوری، در مقابل دو معیار متعارف (۱) استفاده از معیارهایی مانند درجه‌ی صرفه‌جویی در ارز در چارچوب سیاست جایگزینی واردات، یا (۲) استفاده از معیارهایی مانند ارزآوری ناخالص در چارچوب سیاست تشویق صادرات، بحث سیاست کلی در این بند آن است که باید به خالص ارزآوری عنایت شود و معیارهای انگیزشی بر اساس خالص ارزآوری تدوین گردد. این بدان معنی است که نگرش سیاستهای کلی بر جهت‌گیری یک‌سویه به‌جانب جایگزینی واردات یا تشویق صادرات تمرکز ندارد و معیار خالص ارزآوری را به‌عنوان یک معیار اثرگذار بر زندگی درازمدت اقتصاد ملی، به‌رسمیت می‌شناسد. این معیار در نفس خود، برخی از الزامات سیاستهای ذکر شده در سایر بندها را نیز لازم دارد. به‌عنوان مثال یک شرط لازم برای بالارفتن خالص ارزآوری، کاهش هزینه‌های تولید است.

بند ۶: مدیریت منابع ارزی با تأکید بر تأمین نیازهای تولید ملی و کارآفرینان به ارز و ثبات ارزش پول ملی.

توجیه بند: خواسته‌ی کلی در مورد مدیریت ارزی کشور عبارت است: (۱) حفظ ارزش پول ملی برای قابل‌پیش‌بینی کردن وضعیت اقتصادی و جلب اعتماد کارآفرینان به پول ملی به‌عنوان یک واحد ارزش باهویت و (۲) تسهیل دسترسی تولیدکنندگان به ارز. برای رسیدن به این دو خواسته که به‌صورت توأم باید برقرار شود، محورهای سیاستی انگیزشی مطرح شده است.

یکی از ویژگیهای وضعیت کنونی مدیریت منابع ارزی کشور در زمان حاضر این است که حفظ ارزش پول ملی به‌کلی از فهرست اولویتهای آن حذف شده است. حفظ ارزش پول ملی را نباید با تثبیت دستوری ارزش پول کشور اشتباه گرفت. برای حفظ ارزش پول ملی لازم است وضعی برقرار شود که ارزش پول در چارچوب مکانیزمهای اقتصادی حفظ شود. مقام پولی کشور که به‌قاعده‌ی عرف و بر اساس قانون پولی و بانکی مسئولیت حفظ ارزش پول ملی را برعهده دارد و موظف است با اجرای سیاستهای درست پولی و ارزی، برای حفظ ارزش پول ملی تلاش کند، در وضعیت کنونی، هیچ واکنشی حتی در برابر افت ضربتی حدود ۵۰ درصد از ارزش پول ملی در یک دوره‌ی بسیار کوتاه نشان نمی‌دهد. این دگرگونی ناخواسته سبب می‌شود که چشم‌انداز کلیه‌ی

پروژه‌های تولیدی مخدوش شود زیرا نرخ ارز در ارزیابی پروژه‌ها آن‌قدر تغییر کرده است که دیگر ارزیابی‌های موجود کاربرد ندارد. مخدوش شدن چشم‌انداز کلان اقتصاد عاملی است که نقش بخش خصوصی را در توسعه‌ی اقتصاد ملی مخدوش می‌سازد^(۱) و نوسانهای جدی در ارزش پول ملی یکی از بارزترین نمونه‌های عوامل ایجاد اختلال در چشم‌انداز کلان اقتصادی^(۲) است.

مبحث جلب اعتماد نسبت به پول ملی با این خواسته مطرح می‌شود که انگیزه‌های پس‌انداز و سرمایه‌گذاری به پول ملی تقویت شود. در این راستا خواسته‌های جامعه و بخش خصوصی هم‌راستا می‌شود و انگیزه‌ی فرار سرمایه در کشور کاهش می‌یابد. نظریه‌های اقتصادی نشان می‌دهند که سرمایه همیشه در پی یافتن مکان امنی است که ارزش خود را از دست ندهد و بازده مطلوبی داشته باشد^(۳). علاوه بر این، وقتی فرار سرمایه وجود داشته باشد، سرمایه‌ی اجتماعی به شدت کاهش می‌یابد و احترام به سرمایه‌ی ملی زایل می‌شود زیرا سرمایه‌گذار می‌داند که در طول زمان نمی‌تواند به پول ملی اعتماد کند. توجه به ریشه‌های فرار سرمایه دست‌کم به دلایل زیر بسیار اهمیت دارد: ۱) فرار سرمایه سبب می‌شود که منابع مورد نیاز برای توسعه‌ی اقتصاد ملی، از مرزهای کشور خارج شود و فرصتهای توسعه از دست برود. ۲) فرار سرمایه تأثیری منفی بر توزیع درآمد در جامعه دارد. ۳) گسترش خروج سرمایه سبب می‌شود که کشورهای مبتلا به این عارضه برای تأمین نیازهای اقتصاد ملی به وام‌گیری از خارج متوسل شوند که این وضع در نهایت حجم بدهیهای آنها را به شدت افزایش می‌دهد^(۴).

مطالعه‌ای که در مورد ایران انجام شده است، نشان می‌دهد که چگونه نااطمینانی در مورد نرخ واقعی ارز (قدرت خرید واقعی پول ملی) عاملی منفی در توسعه‌ی صادرات ایران بوده است^(۵). مطالعات زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد اصلاح ساخت بخش واقعی اقتصاد کشورها با برابری سیاست پولی آنها، رابطه‌ی مستقیمی دارد^(۶).

دستیابی به ثبات مالی (Financial Stability) یکی از معیارهایی است که امروز کشورهای جهان از آن به‌عنوان شرط لازم افزایش تولید ملی یاد می‌کنند^(۷). بروز بحرانهای مالی و به‌ویژه بحران پولی، سبب از دست‌دادن تولید می‌شود که زبان درازمدت آن کاهش نرخ رشد اقتصاد ملی است^(۸). اهمیت ثبات مالی در حدی است که امروز بیشتر بانکهای مرکزی این خواسته را در کنار هدف حفظ ارزش پول ملی قرار می‌دهند و خود را نسبت به آن متعهد می‌سازند. سیاستگذاری برای دستیابی به ثبات مالی پیش‌شرط تداوم توسعه و تحولات فنی دگرگون‌کننده‌ی وضعیت تولید است.

در مورد تسهیل دسترسی تولیدکنندگان به ارز، خواسته‌ی کلی کاهش زمان دسترسی به ارز و رسانیدن آن به جریان تولید است. بخشی از این تسریع، به فراهم آوردن امکانات انتقال ارز برمی‌گردد که در زمان حاضر یکی از عوامل مهم در تأخیر در تولید است. از دیدگاه نظری تأخیر در انتقال ارز می‌تواند عامل افت رفاه در جامعه شود. مطالعات مختلفی برای محاسبه‌ی میزان افت رفاه در کشورهای مختلف انجام شده است^(۹) و^(۱۰). نکته‌ی قابل‌تعمق این است که با طولانی‌شدن زمان انتقال ارز و تسویه‌ی حسابهای خارجی، میزان افت در رفاه جامعه نیز افزایش می‌یابد.

در مورد ایران هیچ مطالعه‌ای در مورد تأخیر در تسویه‌ی تعهدات ارزی مربوط به تجارت انجام نشده است ولی قدر مسلم این است که تأخیر مورد بحث در اثر وضعیت حاضر روند صعودی داشته است و این امر به گران‌شدن هزینه‌ی واردات در کشور انجامیده است. تحریمهای اعمال‌شده بر مؤسسات مالی ایران و تأخیر در یافتن راههای دورزدن این تحریمها، سبب شده است که متقاضیان کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ی خارجی در

داخل کشور، با تأخیر زمانی به نسبت طولانی به نیازهای خود دست یابند و فروشندگان هم با عنایت به این مشکلات، قیمت محصولات خود را برای مشتریان ایرانی افزایش دهند.

1. Unido. (2011). Africa Investor Report 2011: Towards Evidence-Based Investment Promotion Strategies. ID/443. UNIDO Publication. Sales No.: E.12.II.B42. ISBN: 978-92-1-106450-6. http://www.unido.org/fileadmin/user_media/Publications/Pub_free/AIS_Report_A4.pdf
۲. خلعتبری، فیروزه. (۱۳۸۹). طرحی برای مدیریت و نظارت بر اجرای سیاستهای کلی مربوط به نظام و درآمدهای ارزی. دبیرخانه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام. کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری.
3. Epstein, Gerald. (2005). Capital Flight and Capital Controls in Developing Countries. Introduction: Capital Flight and Capital Controls in Developing Countries: an Introduction. http://www.peri.umass.edu/fileadmin/pdf/chapter_1.pdf
4. Ndikumana, Léonce and James K. Boyce. (2008). New Estimates of Capital Flight from Sub-Saharan African Countries: Linkages with External Borrowing and Policy Options. Department of Economics and Political Economy Research Institute. University of Massachusetts, Amherst. Working Paper No. 166. April. http://www.peri.umass.edu/fileadmin/pdf/working_papers/working_papers_151-200/WP166.pdf
5. Jafari Samimi, Ahmad; Negin Heydarizadeh and Maryam Madadi. (2012). Exchange Rate Uncertainty and Non-Oil Exports: The Case of Iran. Middle-East Journal of Scientific Research. Vol. 11. Issue 2. pp. 162-166. ISSN 1990-9233. IDOSI Publications. [http://idosi.org/mejsr/mejsr11\(2\)12/5.pdf](http://idosi.org/mejsr/mejsr11(2)12/5.pdf)
6. Nenova, Mariella. (2004). The Relationship between Real Convergence and the Real Exchange Rate: the Case of Bulgaria. Bulgarian National Bank. Discussion Paper No. DP/41/2004. July. ISBN 954-9791-78-5. http://www.bnb.bg/bnbweb/groups-public/documents/bnb_publication/discussion_2004_41_en.pdf
7. Ingves, Stefan. (2012). Financial stability is important for us all. Speech by Mr Stefan Ingves, Governor of the Sveriges Riksbank, to the Riksdag Committee on Finance. Stockholm. 15th March. <http://www.bis.org/review/r120316f.pdf?frames=0>
8. White, William R. (1998). Promoting International Financial Stability: The Role of the BIS. Regulatory and Supervisory Challenges in a New Era of Global Finance. The Hague. <http://fondad.org/uploaded/Regulatory%20and%20Supervisory%20Challenges/Regulatory-White.pdf>
9. Cudmore, E. and J. Whalley. (2005). Border Delays and Trade Liberalization. In: T. Ito and A. K. Rose (eds.). International Trade in East Asia. NBER-East Asia Seminar on Economics. Volume 14. Cambridge, MA: National Bureau of Economic Research.
10. Nguyen, Trien T. and Randall M. Wigle. (2009). Welfare Costs of Border Delays: Numerical Calculations from a Canadian Regional Trade Model. Canadian Journal of Regional Science/Revue canadienne des sciences regionales. Vol. XXXII. Issue 2. Summer/Été. pp. 203-222. ISSN: 0705-4580. <http://www.cjrs-rcsr.org/archives/32-2/NGUYEN-final.pdf>

بند ۷: بهبود فضای کسب و کار با هدف افزایش تولید ملی با اصلاح زمینه‌های قانونی، اجرایی، اداری و فرهنگی. توجیه بند: بهبود فضای کسب و کار همراه با بهبود زمینه‌ها و چارچوبهای قانونی و اداری مرتبط برای افزایش تولید ملی، می‌تواند به بهبود چشم‌انداز کارآفرینان در برنامه‌ریزی برای تولید منجر شود. سه محور اصلی پیشنهادی

در این بند عبارتند از: (۱) شفاف‌سازی وضعیت فضای کسب و کار، (۲) تشکیل مدیریت ویژه برای پیشنهاد راه‌های بهبود وضعیت و (۳) کوتاه‌کردن زمان دریافت مجوزها.

مطالعات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در مورد فضای کسب و کار در کشور نشان داده است که در طول سال ۱۳۹۰، فضای کسب و کار با نوسان محدود، روند رو به بهبود داشته است ولی هنوز نمی‌توان وضعیت فضای کسب و کار را مطلوب دانست. متوسط رقم مؤلفه‌های فضای کسب و کار در زمستان سال ۱۳۹۰ معادل ۵/۴۹ بوده است که نسبت به رقم ۵/۸۷ بهار سال ۱۳۹۰ بهبود داشته است ولی هنوز وضعیت کسب و کار را نامساعد نشان می‌دهد^(۱).

در شکل سنتی، نخستین گام در راه بهبود فضای کسب و کار، کاهش محدودیت‌های دولتی و قانونی در سطح ملی بوده است. با وجود این، بررسی‌های جدیدتر نشان داده است که نگاه منطقه‌ای و استانی به اصلاح وضع، آنهم با همکاری بخش خصوصی با بخش دولتی، می‌تواند اثر بهتری داشته باشد^(۲). در این چارچوب سرمایه‌ی اجتماعی افزایش می‌یابد و احترام به کسب و کار می‌تواند تعمیق شود.

برای بهبود فضای کسب و کار، سلامت این فضا بسیار مهم است^(۳). شفاف‌سازی عامل بالاهمیتی است که می‌تواند دستیابی به سلامت محیط کسب و کار را تأمین کند. هدف از شفاف‌سازی ایجاد جو اعتماد در مورد سلامت وضعیت کسب و کار است.

در جریان اصلاح فضای کسب و کار، همه‌ی گروه‌ها باید در شمار ذینفعان قرار بگیرند و مشارکت همه‌ی ذینفعان باید تضمین شود. بر این اساس است که تشکیل مدیریت ویژه برای پیشنهاد راهکارهای بهبود وضعیت می‌تواند بسیار اثرگذار باشد. این مدیریت در مورد زمینه‌های اصلاح و نحوه‌ی مشارکت همه‌ی دست‌اندرکاران تصمیم می‌گیرد.

۱- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۱). گزارش ارزیابی تشکلهای اقتصادی کشور از مؤلفه‌های ملی محیط کسب‌وکار ایران. گزارش زمستان ۱۳۹۰. اردیبهشت.

- 2- Hindson, Doug and Jörg Meyer-Stamer. (2007). The Local Business Environment and Local Economic Development: Comparing Approaches. Mesopartner Working Paper No. 11 / 2007. ISSN 1613-298X. http://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&frm=1&source=web&cd=2&sqi=2&ved=OCFAQFjAB&url=http%3A%2F%2Fwww.mesopartner.com%2Fen%2Fpublications%2Fpublications-blog%2F%3Fjum-purl%3Duploads%252Fmedia%252Fmp-wp11_Local-BE.pdf%26juSecure%3D1%26-locationData%3D79%253Att_news%253A37%26juHash%3Dfb3949b64388139bacb90ad543ad9b88208aff78&ei=stG_T43LE6H56QHhKWtCg&usq=AFQjCNFpgYN3JQ2W_oUJQ26FPukTlc-TbdA&sig2=MWW8d49HGMCFjVHZ80ewYQ
- 3- Donor Committee for Enterprise Development (DCED). (2008). Supporting Business Environment Reforms: Practical Guidance for Development Agencies. August. <http://rru.worldbank.org/documents/DonorGuidance.pdf>

بند ۸: افزایش سهم مردم در تولید ملی از طریق افزایش انگیزه و عزم ملی برای افزایش تولید ملی، رعایت انضباط مالی و بودجه‌ای دولت، رفع تبعیض بین بخش دولتی و بخش‌های غیردولتی و خصوصی در دسترسی به اطلاعات و سایر موارد، حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط و تسریع در تحقق کامل سیاست‌های کلی اصل ۴۴.

توجیه بند: حضور دولت وابسته به درآمدهای نفتی که پاسخگویی دولت را نسبت به جامعه محدود می‌سازد، سبب شده است که دستگاه اداری دولت بسیار گسترده‌تر از حد مطلوب و موردنیاز جامعه شود. این امر به

اتلاف منابع می‌انجامد.

با این اوصاف، کارآمدسازی دولت یکی از محورهای بازگشت به وضعیت مطلوب تولید ملی است. در حالت کلی حضور دولت در اقتصاد کشور در سه شکل وجود دارد: (۱) در چارچوب نمایندگی حاکمیت و مجری دستور حکومت، (۲) در چارچوب یک هویت جمعی نماینده‌ی اکثریت رأی‌دهندگان به دولت، و (۳) در چارچوب یک هویت فردی که در این حالت به‌صورت کارفرما در اقتصاد حضور دارد. بهترین وضعیت این است که دولت شکل سوم حضور خود را در اقتصاد کشور به حداقل برساند.

حضور دولت در شکل نمایندگی حاکمیت به دولت امکان می‌دهد که ثروتهای طبیعی کشور را که منافع آن باید به همه‌ی نسلها برسد، در چارچوب قانون اساسی و سیاستهای کلی نظام مورد بهره‌برداری قرار دهد. بهره‌برداری صیانتی از منابع نفتی و سایر منابع پایان‌پذیر کشور در این چارچوب باید انجام شود. بهینه‌سازی و کارآمدسازی این وظیفه در چارچوب مدیریت شفاف و بهینه از منابع طبیعی کشور و توزیع بهینه‌ی عواید حاصل از بهره‌برداری بین نسلهای مختلف باید انجام شود. از دیدگاه نظری مسائلی مختلفی در این چارچوب مطرح می‌شود که مهمترین آنها عبارتند از یک) بهره‌برداری بهینه از منابع پایان‌پذیر، دو) مدیریت بهینه‌ی ثروتهای حاکمیتی، و سه) برنامه‌ریزی برای استفاده‌ی بهینه از سهم نسل و توزیع برانزده‌ی آن بین گروههای مختلف هر نسل.

در چارچوب بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی پایان‌پذیر و تجدیدپذیر، الگوهای نظری مستدل ارائه شده است.^(۱) بهره‌برداری بهینه به ساخت موجودی مخزن منابع پایان‌پذیر، ماهیت مقام بهره‌بردار، وضعیت بازار از نظر حضور محصول جایگزین، سرمایه‌گذاری برای گسترش موجودی مخازن^(۲)، ماهیت تقاضا برای منابع پایان‌پذیر و هزینه‌های بهره‌برداری^(۳) ارتباط پیدا می‌کند. یکی از باورهای قابل‌بحث در مورد برخورداری از ثروتهای نفتی و بهره‌برداری منابع پایان‌پذیر، این است که وجود این منابع عامل عقب‌ماندگی کشور می‌شود و در اصلاح افزونه‌جویی (Rent Seeking) اقتصاد عامل بروز عارضه‌ی هلندی (Dutch Disease) و اختلالهای مختلف در اقتصاد ملی می‌شود. از دیدگاه نظری این رویکرد مورد تردید است زیرا اگر دانش فنی بهره‌برداری از منابع پایان‌پذیر بتواند این بهره‌برداری را بهینه کند و منابع حاصل از آن در چارچوب حفظ منافع تمام نسلها مورد استفاده قرار بگیرد، هیچ دلیلی وجود ندارد که کشور دارای منابع پایان‌پذیر دچار فقر و نابسامانی شود.^(۴)

این بحث بسیار مهم نشان می‌دهد که اگر محدوده‌ی حضور دولت و حاکمیت مخدوش نشود، وجود انبوهی از سرمایه‌ی طبیعی در واقع یک نعمت است و هیچ بحرانی را به‌صورت ذاتی دربر ندارد. در واقع امکان دارد که الگوی بهره‌برداری بهینه از منابع پایان‌پذیر در الگوهای مختلف اقتصادی و بینشهای متفاوت ادغام شود و هیچ عارضه‌ی ناخوشایندی را به‌دنبال نداشته باشد.^(۵) قدر مسلم این است که حتی با عنایت به عامل آلایندگی موجود در منابع فسیلی، امکان دارد بتوان الگوی بهره‌برداری بهینه‌ی قابل‌دفاع در چارچوب بینش توسعه‌ی پایدار را تدوین کرد.^(۶) و^(۷)

حضور دولت در مقام نماینده‌ی اکثریت جامعه برای دوره‌ای که اداره‌ی کشور به دولت برگزیده سپرده شده است، ایجاب می‌کند که دولت در حدی در جامعه حاضر شود که بر اساس وعده‌های انتخاباتی و الزامات سیاسی به انجام آن متعهد شده است. این بخش باید در چارچوب نظارت مجلس انجام شود ولی نکته‌ی مهم این است که برای انجام خدمات تعهدشده نیازی نیست که دستگاههای دولتی بزرگ شوند. اندازه‌ی بهینه‌ی دولت در این چارچوب باید مد نظر قرار بگیرد. از دیدگاه نظری اندازه‌ی بهینه‌ی دولت قابل‌اندازه‌گیری است

و دولتهای بزرگتر از حد بهینه در واقع عامل ائتلاف منابع می‌شوند. رابرت سولو اقتصاددان بزرگ برنده‌ی جایزه‌ی نوبل، در سال ۱۹۵۶ پایه‌های تفکر در مورد اندازه‌ی دولت را در یک الگوی نظری مطرح کرد^(۸). برای شناخت اندازه‌ی بهینه‌ی دولت می‌توان از معیارهای مختلف استفاده کرد و با استفاده از الگوهای نظری اندازه‌ی بهینه را محاسبه نمود. یک رویکرد برای این کار، شناخت ارتباط بین ماهیت حضور دولت و رشد اقتصادی کشور است. با این رویکرد می‌توان اندازه‌ی بهینه‌ی دولت را در کشورهای مختلف محاسبه نمود. به‌عنوان مثال این اندازه در کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در حدی کمتر از ۲۵ درصد قرار دارد^(۹) و^(۱۰) معیار دیگری که برای شناخت بهینه‌بودن اندازه‌ی دولت می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد، معیار کارآیی هزینه‌ای بودجه است^(۱۱) و^(۱۲) معیار سوم برای اندازه‌گیری اندازه‌ی بهینه‌ی دولت، استفاده از مصرف دولت است. مطالعه‌ی کاربردی در این چارچوب نشان داده است که برای سیزده کشور از اعضای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، اندازه‌ی بهینه‌ی دولت در حد ۱۳ درصد اقتصاد محدود می‌شود^(۱۳).

انتخاب معیار اندازه‌گیری ابعاد حضور دولت در اقتصاد باید با عنایت به محدودی حضور دولت در بخش هویت جمعی نماینده‌ی اکثریت، یعنی فقط بخش دولت در مقام دولت، انجام شود و دو وظیفه‌ی دیگر نباید در محاسبات منظور شود. در مورد ایران فقط یک مطالعه در مورد اندازه‌ی دولت انجام شده است^(۱۴) ولی این مطالعه باید به‌هنگام شود زیرا ساخت دولت در این دوره به‌شدت تغییر کرده است. در مورد کشورهای منطقه‌ی خلیج فارس هم مطالعه‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد اندازه‌ی دولت بر اساس نسبت مصرف واقعی دولت به مصرف واقعی در محصول ناخالص داخلی کشور در محدوده‌ی ۱۷٪ تا ۲۹٪ قرار دارد^(۱۵). در مورد کشورهای آمریکای لاتین، یک مطالعه‌ی کاربردی نشان داده است که اگر در فاصله‌ی سالهای ۱۹۷۴ تا ۲۰۰۳ میلادی، دولتهای کشورهای این منطقه کوچکتر بودند، رشد اقتصادی در این کشورها بیشتر می‌شده است^(۱۶). حضور دولت در اقتصاد در مقام کارفرما همیشه عامل اختلال در روال کشورداری است. هر قدر وظایف تصدی‌گری دولتها کوچکتر باشد، کارآیی آنها به‌صورت بالقوه می‌تواند بیشتر شود زیرا دولتها در این وضعیت انگیزه‌ی کمتری برای صدور دستورهای استثنایی خواهند داشت. کوچک کردن بخش کارفرمایی دولت با روشهای مختلف انجام می‌شود که در کلی‌ترین حالت با عنوان واگذاری فعالیت‌های اقتصادی به بخش خصوصی (Privatization) در ادبیات اقتصادی شناخته شده است. انواع روشهای واگذاری برای کشورهای مختلف ارائه شده است.

در مورد ایران هم روشهای متفاوتی برای واگذاری تدوین شده است. یک روش که در اصطلاح مالکیت فراگیر نام گرفته است، واگذاری را با عواملی مانند افزایش کارآیی در بخش تولید، برخورداری از توان رقابت در سطح بین‌المللی، گسترش بازار سرمایه‌ی کشور، توانمندسازی نیروی کار در جامعه و ایجاد قدرت خرید در خانوار پیوند می‌دهد^(۱۷). سیاستهای کلی اصل ۴۴ خواستار نوعی از گسترش حضور بخش خصوصی در اقتصاد کشور شده است که واگذاری با اصلاح ساخت اقتصاد ملی و افزایش کارآیی همراه شود. ساخت برگزیده برای واگذاری در کشور که در چارچوب سازمان خصوصی‌سازی تعریف شده است، نتوانسته است ابعاد مطرح‌شده در سیاستهای کلی اصل ۴۴ را پوشش بدهد.

- 1- Khalatbari, Firouzeh. (1976). Planning, Uncertainty and Exhaustible Resources. PhD Thesis. London School of Economics and Political Science. January.
- 2- Ghoddsin, Hamed. (2010). Dynamic Investment in Extraction Capacity of Exhaustible Resources. Scottish Journal of Political Economy. Vol. 57. No. 3. July. <http://www.gerad.ca/fichiers/activites/act0662/Hamed28012011.pdf>

- 3- Solow, Robert M. and Frederic Y. Wan. (1976). Extraction costs in the theory of exhaustible resources. The Bell Journal of Economics. Vol. 7. Issue 2. Autumn. pp. 359-70. <http://www.sam.sdu.dk/norfame/menu/pdfid/solow76.pdf>. Also: http://www.math.uci.edu/~fwan/pdf/42_extractioncosts.pdf
- 4- Le Van, Cuong, Katheline Schubert + and Tu Anh Nguyen. (2007). With Exhaustible Resources, Can A Developing Country Escape From The Poverty Trap? 2nd July. http://ces.univ-paris1.fr/membre/schubert/ExhaustibleResource_July2nd07.pdf
- 5- Erreygers, Guido. (2009). Hotelling, Rawls, Solow: How Exhaustible Resources Came to Be Integrated into the Neoclassical Growth Model. History of Political Economy. Volume 41. Number Supplement 1. pp. 263-281. doi: 10.1215/00182702-2009-027. http://hope.dukejournals.org/content/41/Suppl_1/263.full.pdf+html
- 6- Henriet, Fanny. (2011). Optimal extraction of a polluting non-renewable resource with R&D toward a clean backstop technology. 14th July. http://www2.toulouse.inra.fr/lerna/seminaires/backstop_henriet.pdf
- 7- Grimaud, André and Luc Rougé. (2003). Polluting Non-Renewable Resources, Innovation and Growth: Welfare and Environmental Policy. August. http://idei.fr/doc/wp/2003/polluting_nonrenewable.pdf
- 8- Solow, Robert M. (1956). A Contribution to the Theory of Economic Growth. Quaterly Journal of Economics. Vol. 70. Issue 1. pp. 65-94. February. http://faculty.lebow.drexel.edu/LainczC/cal38/Growth/Solow_1956.pdf
- 9- Chobanov, Dimitar and Adriana Mladenova. (2009). What is the Optimum Size of Government? Institute for Market Economics. Bulgaria. August. http://ime.bg/uploads/335309_OptimalSizeOfGovernment.pdf
- 10- Kahn, James A. (2011). Can We Determine the Optimal Size of Government? Cato Institute. Center for Global Liberty and Prosperity. Development Policy Briefing Paper. No. 7. 14th September. <http://www.cato.org/pubs/dbp/dbp7.pdf>
- 11- Rahmayanti, Yogi and Theara Horn. (2010). Expenditure Efficiency and the Optimal Size of Government in Developing Countries. Graduate School of Economics and Osaka School of International Public Policy (OSIPP). Osaka University. Toyonaka. Discussion Paper No. 10-20. July. <http://www2.econ.osaka-u.ac.jp/library/global/dp/1020.pdf>
- 12- Folster, Stefan and Henrekson, Magnus. (2001). Growth effects of government expenditure and taxation in rich countries. European Economic Review. Elsevier. Vol. 45. Issue 8. pp. 1501-1520. August.
- 13- Josheski, Dushko; Lazarov, Darko and Koteski, Cane. (2011). Analysis of the Optimal Size of the Government Consumption. MPRA Paper No. 32983. http://mpra.ub.uni-muenchen.de/32983/1/MPRA_paper_32983.pdf. 25th August. Also: 7th July. <http://ssrn.com/abstract=1880905> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1880905>
- ۱۴- خلعت‌بری، فیروزه. (۱۳۶۴). اندازه‌ی بهینه‌ی دولت در اقتصاد. اقتصاد و مدیریت.
- 15- Aly, Hassan and Mark Strazicich. (). Is Government Size Optimal in the Gulf Countries of the Middle East? An Answer. <http://www.luc.edu/orgs/-mee/volume1/aly.pdf>
- 16- Lizardo, Radhames and André V. Mollick. (2009). Can Latin America Prosper by Reducing the Size of Government? Cato Journal. Vol. 29. No. 2. Spring/Summer. <http://www.cato.org/pubs/journal/cj29n2/cj29n2-3.pdf>
- ۱۷- خلعت‌بری، فیروزه. (۱۳۷۶). طرح مالکیت فراگیر. مرکز تحقیقات اتاق بازرگانی و صنایع ایران.

بند ۹: تنظیم نقش نهادهای عمومی غیردولتی اقتصادی در جهت تولید ملی.

توجیه بند: نهادهای عمومی غیردولتی در واقع هویت‌هایی جداشده از دولت یا سازمان‌یافته با دیدگاه دولتی هستند که به دلیل ارتباطات ویژه‌ای که با مسئولان دولتی دارند، همیشه قادرند با دریافت امتیاز ناکار آبیهای خود را پوشش بدهند. در موارد متعدد این نهادها از امتیازات ویژه مالیاتی، دسترسی به منابع ارزی و ریالی و مداخله در مسیرهای قانونی برخوردارند. چنین فعالیت‌هایی سبب می‌شود که محیط اقتصادی کشور مخدوش شود و بخش خصوصی واقعی نتواند به‌درستی فعالیت کند.

از دیدگاه نظری، نقش نهادهای عمومی غیردولتی در توسعه‌ی اقتصادی باید شناسایی شود تا مشخص گردد که حضور آنها چه جایگاهی در توسعه‌ی ملی بازی می‌کند. در این ارزیابیها لازم است موارد دریافت امتیاز توسط بخش دولتی مشخص شود تا تأثیر آنها از محاسبات حذف گردد. با عنایت به این واقعیت که نقش بخش عمومی در کشورهای مختلف متفاوت است، برای شناخت اثر حضور هر گروه از شرکتهای عمومی، لازم است در همان چارچوبی که حضور دولت ارزیابی می‌شود، حضور بخش عمومی هم ارزیابی شود^(۱).

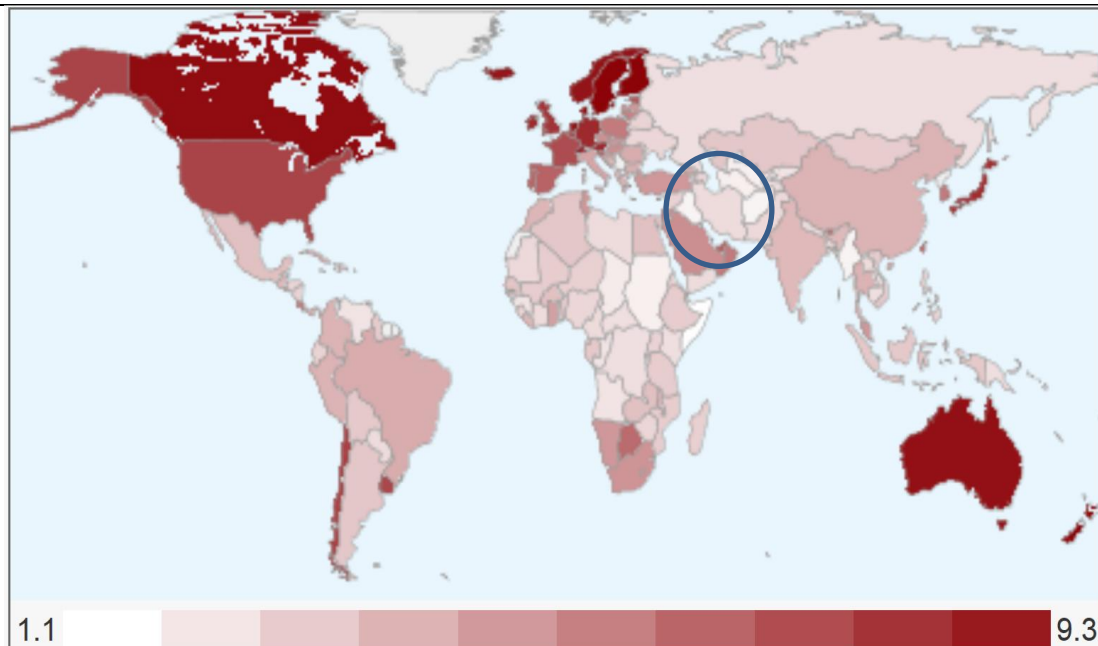
در مواردی که حضور بخش عمومی غیردولتی برای کسب افزونه و پنهان کردن فعالیت‌های بخش دولت باشد، لزوم شفاف‌سازی و حذف فعالیت‌های پنهان بسیار ملموس می‌شود. در هر صورت، فعالیت‌های مداخله‌گر بنگاههای عمومی غیردولتی در اقتصاد کشور، همیشه عامل بروز اختلال است.

در مورد ایران هیچ مطالعه‌ای در مورد نقش بنگاههای عمومی غیردولتی در توسعه‌ی اقتصادی کشور، وجود ندارد و بنابراین نمی‌توان به‌دقت آثار حضور این بنگاهها را ارزیابی کرد ولی با مراجعه به امتیازاتی که بیشتر این بنگاهها از آن برخوردارند، می‌توان گفت که بنگاههای مورد بحث عامل اختلال در توزیع بهینه‌ی منابع در کشور محسوب می‌شوند.

- 1- Curristine, Teresa; Zsuzsanna Lonti and Isabelle Joumard. (2007). Improving Public Sector Efficiency: Challenges and Opportunities. OECD Journal on Budgeting. Volume 7. No. 1. ISSN 1608-7143. <http://www.oecd.org/data-oecd/41/20/43412680.pdf>

بند ۱۰: شفاف‌سازی و به‌هنگام‌سازی اطلاعات و دسترسی آسان فعالان اقتصادی به آن و اطلاع‌رسانی در مورد ابعاد و فرصتهای سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاران در رشته‌های مختلف.

توجیه بند: بر اساس شاخص برداشت ذهنی نسبت به فساد (Corruption Perceptions Index) ایران در سطح جهان در سال ۲۰۱۰ میلادی در ردیف ۱۴۶ قرار گرفته است. این شاخص نشان می‌دهد که انتظار بروز فساد در کشور به‌نسبت بالا است. شفاف‌سازی یکی از شناخته‌شده‌ترین و یقینی‌ترین روشها برای کاهش فساد محسوب می‌شود و هر قدر شدت شفاف‌سازی بیشتر باشد، و اطلاع‌رسانی گسترده‌تر انجام بگیرد، برداشت ذهنی مردم نسبت به وجود فساد در اقتصاد بهتر می‌شود. در نمودار زیر وضعیت رتبه‌ی ایران در کنار سایر کشورهای جهان در سال ۲۰۱۰ از منظر برداشت ذهنی نسبت به فساد نشان داده شده است. همان‌طور که در نمودار دیده می‌شود، ایران در مقایسه با جهان از مرتبه‌ی پایینی برخوردار است که انتظار بروز فساد در این کشور بیش از بسیاری دیگر از نقاط جهان است. در مقایسه با کشورهای همسایه‌ی ایران هم رتبه‌ی کشور به‌نسبت پایین است.



شاخص شفافیت اقتصادی در واقع روی دیگر شاخص برداشت ذهنی نسبت به فساد است. در محورهای مختلف هم شاخصهای ویژه‌ی شفافسازی تدوین شده است. به‌عنوان مثال در مورد ثروتهای حاکمیتی (که ایران در حال حاضر دو مورد، صندوق توسعه ملی و حساب ذخیره‌ی ارزی را در این زمینه دارد)، شاخص شفافیت لینابرگ-مادوئل (Linaburg-Maduell Transparency Index)، جایگاه ایران را در فصل نخست سال ۲۰۱۱ میلادی در رده‌ی چهار کشور پایین جدول (به‌ترتیب از پایین به بالا: لیبی، الجزایر، برونی و ایران) قرار داده است. فقدان شفافیت در کلیه‌ی فعالیتهای اقتصادی کشور مشهود است.

از دیدگاه نظری ارتباط مشهودی بین شفافسازی و پاسخگویی و توسعه‌ی اقتصادی وجود دارد^(۱). مطالعه در مورد کشورهایی که درآمد اصلی آنها از منابع طبیعی حاصل می‌شود، نشان داده است که شفافسازی بودجه‌ی دولت اثری بسیار مثبت بر توسعه‌ی ملی باقی می‌گذارد^(۲). تحقیقات دیگری هم وجود دارد که نشان می‌دهد همراه با افزایش درجه‌ی شفافسازی، احساس احترام و افتخار نسبت به وضعیت افزایش می‌یابد^(۳). بنابراین اگر یکی از هدفهای سیاستهای کلی این باشد که ایرانیان نسبت به محصولات ساخت کشور ایران حس حمایت و احترام داشته باشند، لازم است درجه‌ی شفافسازی در عملیات اقتصادی افزایش داده شود.

یکی دیگر از زمینه‌های شفافسازی، اطلاع‌رسانی به‌هنگام در مورد وضعیتهای اقتصادی و چشم‌انداز آنها است. وقتی سرمایه‌گذاران به‌روشنی بدانند که تعداد رقبای احتمالی آنها چند نفر است و بازار در آینده در چه وضعیتی قرار می‌گیرد، احتمال شکست در سرمایه‌گذاری بسیار کاهش می‌یابد. این وضعیت سبب ایجاد نوعی اعتبار برای مسئولان می‌شود که در نهایت به بالارفتن رضایتمندی نسبت به عملکرد دستگاههای عمومی می‌انجامد.

- 1- McGee, Rosmarie and John Gaventa. (2011). Shifting Power? Assessing the Impact of Transparency and Accountability Initiatives. IDS Working Paper. Volume 2011. No 383. <http://www.ids.ac.uk/files/dmfile/Wp383.pdf>
- 2- Renzio, Paolo de, Pamela Gomez and James Sheppard. (2009). Budget transparency and development in resource-dependent countries. UNESCO. http://www.viet-studies.info/kinhte/Budget_transparen-cy_resource_dependence.pdf
- 3- McTigue, QSO; Hon. Maurice P. (Vice President and Distinguished Visiting Scholar).

(2008). The Effects of Transparency on Ethics, Honor and Results in Government. Mercatus Center. George Mason University. 8th February. The World Trade Center of New Orleans. http://mercatus.org/sites/default/files/publication/SpeechPDF_20080213_McTigue_WTC_Speech_Feb08.pdf

Country	2010 Rank	Score
Denmark	1	9.3
New Zealand	1	9.3
Singapore	1	9.3
Finland	4	9.2
Sweden	4	9.2
Canada	6	8.9
Netherlands	7	8.8
Australia	8	8.7
Switzerland	8	8.7
Norway	10	8.6
Iceland	11	8.5
Luxembourg	11	8.5
Hong Kong	13	8.4
Ireland	14	8.0
Austria	15	7.9
Germany	15	7.9
Barbados	17	7.8
Japan	17	7.8
Qatar	19	7.7
United Kingdom	20	7.6
Chile	21	7.2
Belgium	22	7.1
United States	22	7.1
Uruguay	24	6.9
France	25	6.8
Estonia	26	6.5
Slovenia	27	6.4
Cyprus	28	6.3
United Arab Emirates	28	6.3
Israel	30	6.1
Spain	30	6.1
Portugal	32	6.0
Botswana	33	5.8
Puerto Rico	33	5.8
Taiwan	33	5.8
Bhutan	36	5.7
Malta	37	5.6
Brunei Darussalam	38	5.5
Korea	39	5.4
Mauritius	39	5.4
Costa Rica	41	5.3
Oman	41	5.3
Poland	41	5.3
Dominica	44	5.2
Cape Verde	45	5.1
Lithuania	46	5.0
Macau	46	5.0
Bahrain	48	4.9
Seychelles	49	4.8
Hungary	50	4.7
Jordan	50	4.7
Saudi Arabia	50	4.7

Czech Republic	53	4.6
Kuwait	54	4.5
South Africa	54	4.5
Malaysia	56	4.4
Namibia	56	4.4
Turkey	56	4.4
Latvia	59	4.3
Slovakia	59	4.3
Tunisia	59	4.3
Croatia	62	4.1
Ghana	62	4.1
Samoa	62	4.1
Rwanda	66	4.0
Italy	67	3.9
Georgia	68	3.8
Brazil	69	3.7
Cuba	69	3.7
Montenegro	69	3.7
Romania	69	3.7
Bulgaria	73	3.6
El Salvador	73	3.6
Panama	73	3.6
Trinidad and Tobago	73	3.6
Vanuatu	73	3.6
China	78	3.5
Colombia	78	3.5
Greece	78	3.5
Lesotho	78	3.5
Peru	78	3.5
Serbia	78	3.5
Thailand	78	3.5
Malawi	85	3.4
Morocco	85	3.4
Albania	87	3.3
India	87	3.3
Jamaica	87	3.3
Liberia	87	3.3
Bosnia and Herzegovina	91	3.2
Djibouti	91	3.2
Gambia	91	3.2
Guatemala	91	3.2
Kiribati	91	3.2
Sri Lanka	91	3.2
Swaziland	91	3.2
Burkina Faso	98	3.1
Egypt	98	3.1
Mexico	98	3.1
Dominican Republic	101	3.0
Sao Tome and Principe	101	3.0
Tonga	101	3.0
Zambia	101	3.0
Algeria	105	2.9
Argentina	105	2.9
Kazakhstan	105	2.9
Moldova	105	2.9
Senegal	105	2.9
Benin	110	2.8
Bolivia	110	2.8
Gabon	110	2.8
Indonesia	110	2.8

Kosovo	110	2.8
Solomon Islands	110	2.8
Ethiopia	116	2.7
Guyana	116	2.7
Mali	116	2.7
Mongolia	116	2.7
Mozambique	116	2.7
Tanzania	116	2.7
Vietnam	116	2.7
Armenia	123	2.6
Eritrea	123	2.6
Madagascar	123	2.6
Niger	123	2.6
Belarus	127	2.5
Ecuador	127	2.5
Lebanon	127	2.5
Nicaragua	127	2.5
Syria	127	2.5
Timor Leste (East Timor)	127	2.5
Uganda	127	2.5
Azerbaijan	134	2.4
Bangladesh	134	2.4
Honduras	134	2.4
Nigeria	134	2.4
Philippines	134	2.4
Sierra Leone	134	2.4
Togo	134	2.4
Ukraine	134	2.4
Zimbabwe	134	2.4
Maldives	143	2.3
Mauritania	143	2.3
Pakistan	143	2.3
Cameroon	146	2.2
Haiti	146	2.2
Iran	146	2.2
Ivory Coast	146	2.2
Libya	146	2.2
Nepal	146	2.2
Paraguay	146	2.2
Yemen	146	2.2
Cambodia	154	2.1
Central African Republic	154	2.1
Comoros	154	2.1
Congo, Republic of	154	2.1
Guinea Bissau	154	2.1
Kenya	154	2.1
Laos	154	2.1
Papua New Guinea	154	2.1
Russia	154	2.1
Tajikistan	154	2.1
Congo	164	2.0
Guinea	164	2.0
Kyrgyzstan	164	2.0
Venezuela	164	2.0
Angola	168	1.9
Equatorial Guinea	168	1.9
Burundi	170	1.8
Chad	171	1.7
Sudan	172	1.6
Turkmenistan	172	1.6

Uzbekistan	172	1.6
Iraq	175	1.5
Afghanistan	176	1.4
Myanmar	176	1.4
Somalia	178	1.1

http://www.economywatch.com/economic-statistics/economic-indicators/Corruption_Perceptions_Index/

بند ۱۱: توانمندسازی نیروی کار با افزایش انگیزه، بهره‌وری و خلاقیت نیروی کار و ایجاد تناسب بین آموزش و پژوهش دانشگاهها و مراکز پژوهشی با نیازهای بازار کار.

توجیه بند: بحث در مورد توانمندسازی نیروی کار یک بحث زمان حال در سطح جهان است. اگر قرار باشد توسعه‌ی پایدار مد نظر قرار بگیرد، نیروی کار باید کمترین مقدار خروج از بازار کار را داشته باشد. حمایت‌های فعال از نیروی کار (Active Labour Market Support) یکی از برجسته‌ترین اقدامات در چارچوب توانمندسازی نیروی کار است^(۱). در دو دهه‌ی اخیر این سیاستها در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، بسیار گسترش یافته است هرچند که کشورهای عضو سازمان به فراخور وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود، روشهای مختلف حمایت فعال را برگزیده‌اند. اقداماتی که در این بند از سیاستهای کلی ذکر شده است، همه در شمار حمایت‌های فعال از بازار کار قرار دارد. تکیه بر نوآوری به‌عنوان محور فعال‌سازی و توانمندسازی نیروی انسانی در واقع عاملی است که خلاقیت نیروی کار را افزایش می‌دهد و در نهایت به بالارفتن بازده نیروی انسانی در جریان فعالیت اقتصادی می‌انجامد.

یکی از ویژگیهای حمایت‌های فعال این است که دو مبحث رفاه و اشتغال به‌صورت همراه و توأم با یکدیگر مطرح می‌شوند^(۲). به این ترتیب در چارچوب حمایت فعال، احترام به کار و نیروی کار عاملی است که سبب می‌شود، کار کردن با افت رفاه یکسان تلقی نشود^(۳).

از دیدگاه نظری، بخش مهمی از حمایت فعال در قالب آموزش، به‌ویژه آموزشهای کاربردی، تجسم می‌یابد. دستاورد این آموزشها باید بالابردن بهره‌وری و خلاقیت نیروی کار باشد^(۴). تحقیقات مختلف در سالهای اخیر نشان داده است که به‌صورت ویژه دو حمایت فعال از نوع (۱) آموزش با هدف بالابردن مهارت و (۲) استفاده از رویکرد فردیابی (Head Hunting) به‌جای شغلیابی در چارچوب بنگاههای کاریابی (Employment Agency) توانسته است در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه، در کاهش بی‌کاری، در سالهای بعد از بحران اقتصادی ۲۰۰۷ میلادی، اثر مثبت داشته باشد^(۵).

حمایت‌های فعال از بازار کار سبب بالارفتن انعطاف‌پذیری در جامعه هم می‌شود^(۶) و^(۷) این انعطاف‌پذیری می‌تواند عاملی در جهت تداوم تولید در جامعه باشد.

۱- بانک جهانی در اوایل هزاره‌ی حاضر پروژه‌های در مورد انواع حمایت‌های فعال در بازار کار ایران تعریف کرد که بخش بزرگی از آن انجام شد ولی دولت جدیدی که در ایران به‌روزی کار آمد، به‌عنوان یکی از نخستین اقدامات خود، به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی دستور داد که این پروژه متوقف شود. بقایای این تحقیق در مؤسسه‌ی دین و اقتصاد وجود دارد که نشان می‌دهد در ایران انواع حمایت‌های فعال کدام بوده است و در کدام موارد دستاورد این حمایتها مثبت بوده است. مجری این پروژه فیروزه خلعت‌بری بود.

۲- این برداشت در اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز وجود دارد.

3- Bonoli, Giuliano. (2010). The political economy of active labour market policy. Reconciling Work and Welfare in Europe. A Network of Excellence of the European Commission's Sixth Framework Programme. REC-WP 01/2010.

http://www.socialpolicy.ed.ac.uk/-/data/assets/pdf_file/0010/39268/REC-WP_0110_Bonoli.pdf

- 4- Meager, Nigel. (2008). The Role of Training and Skills Development in Active Labour Market Policies. April. IES Working Paper: WP15. <http://www.employment-studies.co.uk/pdflibrary/wp15.pdf>
- 5- Nie, Jun and Ethan Struby. (2011). Would Active Labor Market Policies Help Combat High U.S. Unemployment? Federal Reserve Bank of Kansas City. <http://www.kansascityfed.org/publicat/econrev/pdf/11q3Nie-Struby.pdf>
- 6- Plougmann, Peter and Per Kongshøj Madsen. (2002). Flexibility, Employment Development and Active Labour Market Policy in Denmark and Sweden in the 1990s. CEPA Working Paper No. 2002-04. January. Center for Economic Policy Analysis. New School University. <http://politiquessociales.net/IMG/pdf/cepa200204.pdf>
- 7- Horn, Michael. (2010). The role of active labour market programs within a flexibility framework: A discussion paper for the Brotherhood of St Laurence Roundtable on Flexicurity. 24th June. Research and Policy Centre. http://www.bsl.org.au/-pdfs/Horn_Flexicurity_role_of_active_labour_market_programs_paper_June_2010.pdf

بند ۱۲: بسترسازی برای حرکت نیروی کار ایرانی در سطح ملی و منطقه‌ای.

توجیه بند: یکی از روشهای فراگیری، حضور در بازاری است که می‌تواند به نیروی کار امکان یادگیری را بدهد. فعال‌شدن نیروی کار در سطح منطقه‌ای می‌تواند نوعی همترازی بین توانایی نیروی کار ایرانی و نیروی کار خارجی فراهم آورد. این کار می‌تواند به دلیل تجربه‌ای که به نیروی کار ایرانی می‌دهد، بر توانمندی نیروی کار بیافزاید. از دیدگاه نظری، حرکت نیروی کار می‌تواند عامل افزایش بازدهی باشد.

از دیدگاه نظری، ارتباط مثبت بین امکان حرکت نیروی کار و رشد اقتصادی توسط بومول مطرح شد و این نوشته به‌عنوان یکی از مراجع شناخت اهمیت توانمندی نیروی کار در حرکت از یک فعالیت به فعالیت دیگر قرار گرفت^(۱). مبحث فراگیری از راه انجام کار (Learning by Doing) مبنای نظری مطلوبیت حمایت از نیروی کار ایرانی برای حرکت در سطح منطقه است. کنت ارو در سال ۱۹۶۲ میلادی نظریه فراگیری از راه انجام کار را بیان کرد^(۲). این نظریه در ابعاد مختلف گسترش یافته است^(۳)،^(۴) و^(۵) مباحثی مانند فراگیری دانش فنی و فراگیری صادرات و فراگیری حضور در فعالیتهای مقیاس بزرگ را دربر گرفته است.

موضوع دیگری که می‌تواند مطلوبیت حمایت از بالابردن امکان حرکت نیروی کار ایرانی را نشان دهد، این نکته است که با این رویکرد، نرخ بی‌کاری در داخل کشور کاهش می‌یابد. در این حالت احساب بی‌نواپی (Misery) محدود می‌شود و رضایت عمومی در چارچوب گسترش سرمایه‌ی اجتماعی افزایش می‌یابد.

- 1- Baumol, W. J. (1967). Macroeconomics of unbalanced growth: The anatomy of urban crisis. The American Economic Review. Vol. 57. Issue 3. pp. 415-426. <http://piketty.pse.ens.fr/files/Baumol1967.pdf>
- 2- Arrow, Kenneth J. (1962). The Economic Implications of Learning by Doing. The Review of Economic Studies. Vol. 29. Issue 3. pp. 155-173. <http://ssrn.com/abstract=1506343>. Also: <http://www.jstor.org/discover/10.2307/2295952?uid=2129&uid=2&uid=70&uid=4>
- 3- Parente, Stephen L. (1994). Technology Adoption, Learning-by-Doing, and Economic Growth. Journal of Economic Theory. Vol. 63. Issue 2. August. pp. 346-369. Available online 26th April 2002. <http://dx.doi.org/10.1006/jeth.1994.1046>. Also: <http://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0022053184710465>
- 4- Chang, Yongsung; Joao F. Gomes; and Frank Schorffheide. (2002). Learning-by-Doing as a

Propagation Mechanism. March. <http://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&frm=1&source=web&cd=2&ved=0CE8QFjAB&url=http%3A%2F%2Fciteseerx.ist.psu.edu%2Fviewdoc%2Fdownload%3Fdoi%3D10.1.1.142.7793%26rep%3Drep1%26type%3Dpdf&ei=uCXB7vpFNLegge45ejPCQ&usq=AFQjCNERN2OcmD2GNvFcmIfgmLpGKXkyvQ&sig2=VS6vnZ56-vEuQrHZOVRz-A>

5- Fernandes, Ana M. and Alberto E. Isgut. (). Learning-by-Doing, Learning-by-Exporting, and Productivity: Evidence from Colombia. The World Bank. <http://elibrary.worldbank.org/docserver/download/3544.pdf?expires=1338060025&id=id&accname=guest&checksum=596D4C54E289035EC4E5B04C27D67C0B>

بند ۱۳: تقویت سرمایه‌ی اجتماعی و نهادهای حامی کار و سرمایه‌ی ایرانی از طریق فعال سازی مردم‌نهادها و با استفاده از نظرات متخصصان و صاحب‌نظران در تصمیمات اقتصادی.

توجیه بند: توسعه‌ی پایدار در چارچوب تعامل چهار نوع سرمایه انجام می‌شود. این سرمایه‌ها عبارتند از: (۱) سرمایه‌ی انسانی، (۲) سرمایه‌ی مادی، (۳) سرمایه‌ی طبیعی و (۴) سرمایه‌ی اجتماعی. هر یک از این چهار سرمایه قادرند در مسیر توسعه‌ی اقتصادی- اجتماعی کشور، نقشی اثرگذار داشته باشند^(۱). سرمایه‌ی اجتماعی در واقع یکی از سرمایه‌هایی است که به تدریج از اهمیت بیشتری در توسعه‌ی پایدار برخوردار شده است. حضور فعال جامعه در تصمیم‌گیریها و الگوسازیهای کشور در چارچوب مردم‌نهادها انجام می‌شود و در میان‌مدت بر اعتماد عمومی می‌افزاید.

از دیدگاه نظری، هیچ تعریف فراگیر و شناخته‌شده‌ای برای شناخت ابعاد سرمایه‌ی وجود ندارد و محققان و نهادهای مختلف تعریفهای گوناگونی از این سرمایه را ارائه کرده‌اند. با وجود این، با قاطعیت می‌توان گفت که سرمایه‌ی اجتماعی از پنداره‌ی روابط اجتماعی و اهمیت آن در زندگی جمعی ناشی می‌شود^(۲). اقتصاددانان بر این باورند که توسعه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند با برقراری اعتماد و رونق اقتصادی همراه شود^(۳) و^(۴). مطالعات متنوعی که در مورد منطق نیاز به سرمایه‌ی اجتماعی صورت گرفته است، حضور این سرمایه را با عقلانیت سازگار شمرده است^(۵). برخی بر این باورند که سرمایه‌ی فرهنگی را می‌توان به‌عنوان یک ستون توسعه‌ی پایدار محسوب کرد^(۶) که در هر صورت این سرمایه یکی از اصلی‌ترین اجزای سرمایه‌ی اجتماعی است. یکی از ویژگیهای حضور سرمایه‌ی اجتماعی، ایجاد زمینه برای فرهنگ‌سازی است. اعتمادی که از گسترش سرمایه‌ی اجتماعی حاصل می‌شود، زمینه را برای باور گفته‌های جمعی فراهم می‌سازد. در این چارچوب می‌توان از مسائلی مانند احترام به تولید ملی نام برد. وقتی سرمایه‌ی اجتماعی توسعه یابد، تولیدکننده‌ی محصولات ایرانی هم وظیفه‌ی اجتماعی خود می‌داند که محصولی در خورد شأن مردم جامعه تولید کند و از تقلب و کج‌نمایی پرهیزد.

ایجاد فرهنگ مصرف محصولات ملی، در واقع ایجاد نوعی غرور ملی است که به برنامه‌ریزی ویژه نیاز دارد. در این چارچوب الگوی ژاپن می‌تواند مفید باشد^(۷) هرچند که الگوبرداری از کشورهای مختلف می‌تواند باید با دقت انجام شود. قدر مسلم، نباید تصور کرد که فقط با یک تبلیغ یا چند شعار و اعلامیه می‌توان وضعیت فرهنگی را تغییر داد.

در بین کشورهای مختلف جهان هم مواردی وجود دارد که برنامه‌های تشویق جامعه به مصرف محصولات ساخت داخل تدوین شده است^(۸). برنامه‌های مختلفی وجود دارد که جامعه را به احترام به محصولات ساخت داخل و هویت برمی‌انگیزد^(۹). همه‌ی این برنامه‌ها بر پایه‌ی گسترش سرمایه‌ی اجتماعی به شکلهای مختلف، طراحی می‌شود.

۱- طباطبایی، رویا و همکاران. (۱۳۹۰). ساخت شاخص ترکیبی توسعه از منظر سند چشم‌انداز و ارزیابی چهار سال اول اجرای سند چشم‌انداز. پیمانکار: مرکز تحقیقات استراتژیک. کارفرما: کمیسیون نظارت دبیرخانه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام. پاییز.

- 2- Dasgupta, Partha and Ismail Serageldin. (1999). Social Capital: A Multifaceted Perspective. World Bank. Publication No. 17972. ISBN 0-8213-4562-September. http://www.exclusion.net/images/pdf/778_pucaf_cover_index.pdf
- 3- Dasgupta, Partha. (2002). Social Capital and Economic Performance Analytics. January. http://www.eui.eu/Personal/Guiso/Courses/Lecture%206/Dasgupta_social_capital.pdf
- 4- Fu, Qianhong. (2004). Trust, Social Capital, and Organizational Effectiveness. Major paper submitted to the Faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Public and International Affairs. <http://www.ipg.vt.edu/papers/qhfumajorpaper.pdf>
- 5- Ciaccio, Simona Di. (2005). Social Capital: Social Relations and Economic Rationality. Crossroads. Vol. 5. No. 1. pp. 43-77. ISSN 1825-7208. http://www.webasa.org/Pubblicazioni/Di_Ciaccio_2005_1.pdf
- 6- Nurse, Keith. (2006). Culture as the Fourth Pillar of Sustainable Development. Commonwealth Secretariat. Malborough House. June. <http://www.fao.org/-SARD/common/ecg/2785/en/Cultureas4thPillarSD.pdf>
- 7- Takeuchi, Mito. The Reinforcement of Cultural Nationalism in Japan: An investigation of Japaneseness and "the Notebook for the Heart". http://www.tru.ca/-jsac2006/pdf/jsac2006_proceedings_mito_takeuchi_manuscript.Pdf
- 8- Ciorasteanu, Gianina and Gica Culita. (). A Program that Support the Romanian Products an Important Factor to Stimulate Consumption of National Products. <http://fse.tibiscus.ro/anale/Lucrari/095.pdf>
- 9- Kasperczyk, Dipl.-Biol. Nadja; Dr.-Ing. Ulrich Gehrlein; Dipl.-Geogr. Marco Neef. (2009). Comparative study of Models and approaches of "Eco-provinces and Eco-cities" Frankfurt/Main. October. Institut für Ländliche Strukturforchung. an der Johann Wolfgang Goethe-Universität. Frankfurt am Main. http://www.bfn.de/fileadmin-/MDB/images/themen/internationalernaturschutz/6_Comparative_Study_Europe.pdf

بند ۱: جلوگیری از اتلاف منابع کار و سرمایه‌ی ایرانی از طریق اقداماتی مانند ارائه‌ی خدمات فنی و مشاوره‌ی فرابنگاهی و ارتقاء بازده اقتصادی در بخشهای مختلف اقتصادی.

توجیه بند: در ایران و بیشتر کشورهای درحال توسعه، نیروی کار متخصص به نسبت محدود است و زمانی که این نیرو در استخدام یک بنگاه یا نهاد خاص قرار می‌گیرد، آن بنگاه توانایی استفاده‌ی کامل از توانمندی آن نیروی کار را ندارد. برای جلوگیری از اتلاف توانایی نیروهای متخصص و در عین حال بالابردن بازدهی آنها در جامعه، می‌توان با توافق بنگاههای استخدام‌کننده، مردم‌نهادهای تخصصی متشکل از این نیروها به وجود آید که آنها بتوانند خدمات خود را فرابنگاهی ارائه بدهند و در مقام مردم‌نهادهای تخصصی به کل کشور خدمت برسانند. این کار سبب می‌شود که بازدهی نیروی کار افزایش یابد.

وضعیت مشابهی در مورد ماشین‌آلات تخصصی و امکانات تخصصی موجود در کشور وجود دارد. به‌عنوان مثال ظرفیت سالن رنگ در تعدادی از خودروسازیهای کشور بیش از ظرفیت تولید آنها است و این بنگاهها قادرند ظرفیت اضافی خود را در اختیار سایر خودروسازان بگذارند تا آنها نیازی به سرمایه‌گذاری اضافی نداشته باشند. این رفتار تا حدودی در بخش خودروی کشور مشاهده می‌شود ولی روش مورد بحث به سایر

صنایع گسترش نیافته است.

از دیدگاه نظری، افزایش بازدهی با ادغام بازار روشی است که نیاز به سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد و از این راه می‌تواند بازدهی سرمایه‌های موجود در اقتصاد را افزایش بدهد. استفاده از شیوه‌هایی مانند تشکیل تعاونی ماشین‌آلات (Machinery Cooperative) می‌تواند بازدهی ماشین‌آلات را به بالاترین حد برساند و در عین حال دوره‌ی زمانی مورد نیاز برای نوسازی تجهیزات را کاهش بدهد^(۱). مطالعات کاربردی مختلفی وجود دارد که نشان می‌دهد تشکیل شبکه‌های تعاونی برای ماشین‌آلاتی که بتوانند چندمنظوره مورد استفاده قرار بگیرند، از منظر اقتصادی سودآور است^(۲). روشهایی مانند تقسیم زمان بهره‌برداری از ماشین‌آلات هم می‌تواند در این راستا مطرح بشود^(۳).

الگوی مشابهی را می‌توان در مورد نیروی کار متخصص مورد استفاده قرار داد و پرداخت دستمزد به این نیرو بر اساس زمان استفاده یا زمان قرارداد انجام می‌شود. در این صورت دامنه‌ی استفاده از متخصصان در بخشهای مختلف گسترش می‌یابد. با این کار از یک سو اقتصاد از خدمات تخصصی بهره‌مند می‌شود و از سوی دیگر دستمزد پرداختی به نیروی متخصص در حدی افزایش می‌یابد که رضایت این نیرو را تأمین می‌کند و انگیزه‌ی مهاجرت متخصصان را کاهش می‌دهد.

- 1- Using the Machinery Cooperative Template to Investigate the Feasibility of a Machinery Cooperative. <http://agecon.okstate.edu/coops/files/Guide%20to%20Using%20the%20Machinery%20Cooperative%20Feasibility%20Template.pdf>
- 2- Long, Garret and Phil Kenkel. (2007). Feasibility of Machinery Cooperatives in the Southern Plains Region. Department of Agricultural Economics. Oklahoma State University. Annual Meeting of Southern Agricultural Economics Association. Mobile. Alabama. 4th to 7th February. <http://ageconsearch.umn.edu/bitstream/34832/1/sp07lo02.pdf>
- 3- Jeong, In-Jae and V. Jorge Leon. (2004). A Single-Machine Distributed-Scheduling Methodology Using Cooperative-Interaction Via Coupling-Agents. 21st March. http://etidweb.tamu.edu/leon/papers/CICA_IP_Single.pdf

بند ۱۵: گسترش تنوع ابزارهای سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه و تکمیل ساختارهای آن، و اعمال سیاستهای تشویقی برای حضور عموم مردم و سرمایه‌گذاری منطقه‌ای در بازار سرمایه.

توجیه بند: بازار سرمایه در تمام جهان یکی از بزرگترین و مفیدترین ساختارهای تأمین منابع برای فعالیتهای اقتصادی است. هر قدر تنوع ابزار و امکانات این بازار گسترده‌تر باشد، کارآیی آن در تجهیز منابع برای نیازهای بخش تولید بیشتر می‌شود. مطالعه‌ی گسترده‌ای در مورد وضعیت بازار سرمایه‌ی ایران، شامل ابعاد نظری و الزامات، هم در چارچوب فعالیت در بازار سرمایه‌ی اسلامی و هم در قالب فعالیت به شکل بازار سرمایه‌ی متعارف، صورت گرفته است که موارد مختلف را به دقت بررسی کرده است^(۱).

۱ - خلعت‌بری، فیروزه. (۱۳۹۱). نقدی بر دستاوردهای همایش بازار سرمایه در ایران سال ۱۴۰۴ و

ادامه‌ی راه. دبیرخانه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام. کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری.

بند ۱۶: تشویق ورود سرمایه‌های ایرانی به حوزه‌ی سرمایه‌گذاریهای خطرپذیر متضمن تحقیق و توسعه، از طریق تأسیس صندوقهای شراکت در سرمایه‌گذاری و حمایت‌های قانونی برای محققان و سرمایه‌گذاران این حوزه.

توجیه بند: اگر قرار باشد نوآوری مبنای توسعه‌ی ملی شود، لازم است سرمایه‌ها به حوزه‌هایی که خطرپذیری

بیشتری دارند نیز راه یابند. مطالعات کاربردی نشان می‌دهد که هر قدر سرمایه‌های خطرپذیر بیشتری برای نوآوری حضور بیابند، سرعت نوآوری با شدت بیشتر افزایش می‌یابد^(۱) و^(۲).

در مورد سرمایه‌های خطرپذیر، قاعده‌های کلی سرمایه‌گذارانه‌ی متعارف چندان کاربرد ندارد و در بیشتر موارد، سرمایه‌گذاران عادی رغبتی به حضور در بازارهای خطرپذیر ندارند. با وجود این اگر ساماندهی بازار سرمایه‌های خطرپذیر به شکلی شفاف باشد و پوشش‌های قانونی برای محققان و سرمایه‌گذاران فراهم شود، این بخش هم می‌تواند فعالیت داشته باشد^(۳). با ساماندهی بازار سرمایه‌های خطرپذیر، شدت نوآوری می‌تواند افزایش یابد که این امر خود به تشدید توسعه‌ی ملی و بالا رفتن تولید ملی کمک می‌نماید.

سرمایه‌گذاران فعال در بازارهای خطرپذیر قادرند راهبرد نوآوری را متحول نمایند و بر مسیر تحولات نوآوری تأثیر بگذارند^(۴). از این منظر، سرمایه‌گذارانی که در این بازار حضور دارند، باید از گروهی باشند که از کم و کیف فعالیت‌های تحقیقاتی در بخش سرمایه‌گذاری خود مطلع باشند. شاید این ویژگی عاملی باشد که سبب محدود شدن ورود سرمایه به بازارهای خطرپذیر شده باشد. با وجود این، در سالهای اخیر نهادهای سرمایه‌گذار در بازارهای خطرپذیر توانسته‌اند با گسترش طیف سرمایه‌گذاری خود، منابع قابل‌ملاحظه‌ای از بازارهای مالی را به دست آورند.

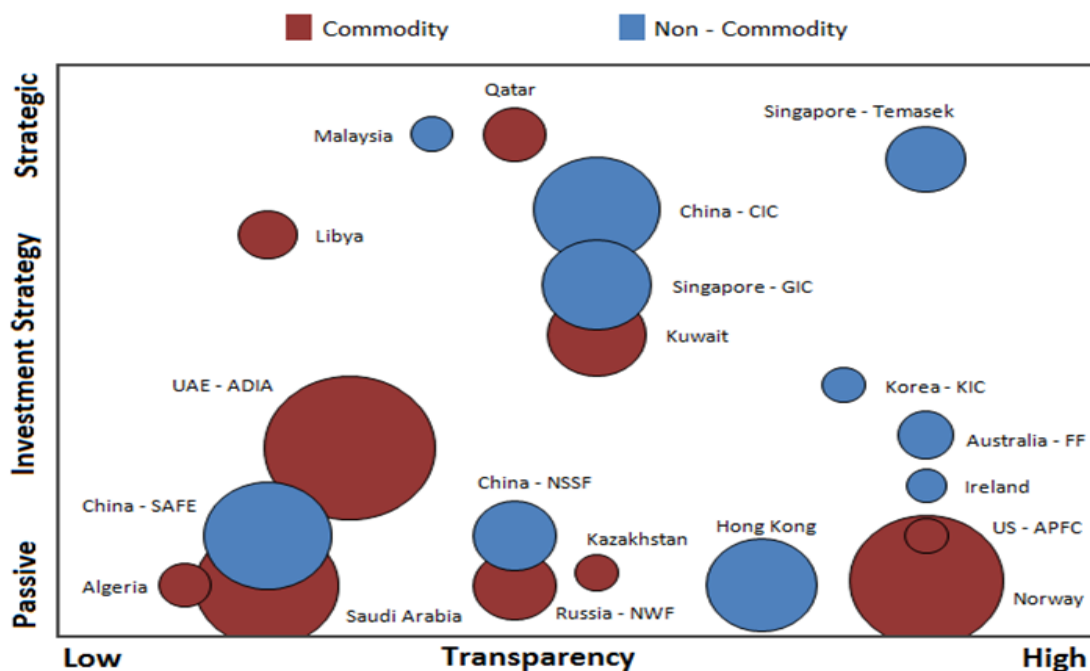
- 1- Kortum, Samuel and Josh Lerner. (2000). Assessing the contribution of venture capital to innovation. RAND Journal of Economics. Vol. 31. No. 4. Winter. pp. 674–692. http://www2.sa.unibo.it/summer/testi/6_calderini-kortum.pdf
- 2- Bertoni, Fabio; Massimo G. Colombo; Diego D'Adda; Samuele Murtinu and Politecnico di Milano. (2010). Venture capital financing and innovation in European New Technology-Based Firms: a longitudinal analysis on the role of the type of investor. 2nd Conference on corporate R&D (CONCORD). http://iri.jrc.ec.europa.eu/concord-2010/papers/bertoni_colombo.pdf
- 3- Metrick, Andrew. (2007). Venture Capital and Finance of Innovations. ISBN-13: 978-0-470-07428-2 (cloth). ISBN-10: 0-470-07428-0 (cloth). <http://unpan1.un.org/intradoc/groups/public/documents/APCITY/UNPAN027464.pdf>
- 4- Da Rin, Marco and María Fabiana Penas. (2007). The Effect of Venture Capital on innovation Strategies. National Bureau of Economic Research. Working Paper No. 13636. November. <http://www.nber.org/papers/w13636> Also: <http://www.nber.org/papers/w13636.pdf>

بند ۱۷: کارآمدسازی مدیریت منابع موجود در صندوق توسعه‌ی ملی در تولید.

توجیه بند: مدیریت صندوقهای ثروت حاکمیتی که در واقع سهم نسلهای آینده را از ثروت‌های موجود کشور، به شکل شفاف کنار می‌گذارد، موضوعی است که در کشورهای مالک منابع طبیعی پایان‌پذیر، به ویژه، از اهمیت برخوردار است^(۱). بخش بزرگی از صندوقهای ثروت حاکمیتی، در چارچوب بهره‌برداری صیانتی از منابع طبیعی ایجاد شده‌اند ولی تعداد زیادی از این صندوقها هم فقط با هدف ایجاد پایگاههای ثروت برای نسلهای آینده به وجود آمده‌اند و منابع آنها با ثروت‌های طبیعی ارتباطی ندارد. این امر نشان می‌دهد که با بالا رفتن شناخت نسبت به توسعه‌ی پایدار، حاکمیتها کوشیده‌اند تا نگاهی درازمدت، و فراتر از آنچه دولتها در دوره‌ی تصدی خود می‌توانند مطرح کنند، به وضعیت نسلهای آینده داشته باشند.

در نمودار زیر تصویر تعدادی از صندوقهای ثروت حاکمیتی در ژانویه‌ی سال ۲۰۱۱ میلادی، به تفکیک منبع درآمدی صندوق (کالا و غیر کالا)، راهبرد سرمایه‌گذاری (راهبردی تا انفعالی) و ماهیت عملیات صندوق (شفاف تا غیر شفاف) نشان داده شده است. اگرچه حجم ثروت‌های حاکمیتی حاصل از منابع طبیعی به مراتب بیش از سایر انواع ثروت‌های حاکمیتی است، وجود ثروت‌های حاکمیتی نوابسته به منابع فسیلی را نیز نمی‌توان دست‌کم گرفت. در مواردی هم کشورها صندوقهای حاکمیتی متکی به ثروت‌های پایان‌پذیر و حاصل از داراییهای تولیدشدنی را در کنار هم ایجاد کرده‌اند. این امر نشان می‌دهد که به تدریج جایگاه صندوقهای ثروت‌های حاکمیتی، خارج از چارچوب منابع طبیعی پایان‌پذیر، شکل پذیرفته است.

توزیع صندوقهای ثروت حاکمیتی به تفکیک منبع ثروت و راهبرد سرمایه‌گذاری



Source: Sovereign Wealth Fund Institute


Updated: January 24, 2011

صندوقهای ثروت حاکمیتی قادرند در فعالیتهای مختلف سرمایه‌گذاری کنند و هیچ محدودیتی برای سرمایه‌گذاری در داخل کشور ندارند. اولویت این صندوقها دستیابی به بیشترین بازده برای نسلهای آینده است. از این لحاظ، اداره‌ی صندوقها به دست دولتها سپرده نمی‌شود. در جدول زیر وضعیت صندوقهای ثروت حاکمیتی و مشخصات کلی آنها آورده شده است. همانطور که در جدول دیده می‌شود، کشورها می‌توانند چندین صندوق داشته باشند که هر یک به فعالیتی خاص خود بپردازد.

مشخصات صندوقهای ثروت حاکمیتی و زمینه‌ی تأمین منابع در آنها

Country	Abbreviation	Fund	Assets \$Billion ^[10]	Inception	Origin
United Arab Emirates Abu Dhabi	ADIA	Abu Dhabi Investment Authority	627	1976	Oil
Norway	GPF	Government Pension Fund - Global	611	1990	Oil
China	SAFE	SAFE Investment Company	567.9**	1997	Non-commodity
Saudi Arabia	SAMA	SAMA Foreign Holdings	532.8	n/a	Oil
China	CIC	China Investment Corporation	409.6	2007	Non-commodity
Korea	NPS	National Pension Service of Korea	300	1988	Non-commodity
Kuwait	KIA	Kuwait Investment Authority	296	1953	Oil
Hong Kong	HKMA	Hong Kong Monetary Authority Investment Portfolio	293.3	1993	Non-commodity

	Singapore	GIC	Government of Singapore Investment Corporation	250	1981	Non-commodity
	Singapore	TH	Temasek Holdings	157.2	1974	Non-commodity
	Russia	RNWF	National Welfare Fund	149.7*	2008	Oil
	China	NSSF	National Social Security Fund	146.5	2000	Non-commodity
	Qatar	QIA	Qatar Investment Authority	100	2003	Oil
	Australia	AFF	Future Fund	80	2004	Non-commodity
	United Arab Emirates	ICD	Investment Corporation of Dubai	70	2006	Oil
	Dubai					
	Libya	LIA	Libyan Investment Authority	65	2006	Oil
	United Arab Emirates	IPIIC	International Petroleum Investment Company	58	1984	Oil
	Abu Dhabi					
	Algeria	RRF	Revenue Regulation Fund	56.7	2000	Oil
	United Arab Emirates	MDC	Mubadala Development Company	48.2	2002	Oil
	Abu Dhabi					
	South Korea	KIC	Korea Investment Corporation	43	2005	Non-commodity
	United States of America	APF	Alaska Permanent Fund	40.3	1976	Oil
	Alaska					
	Kazakhstan	KNF	Kazakhstan National Fund	38.6	2000	Oil
	Malaysia	KN	Khazanah Nasional	36.8	1993	Non-commodity
	Malaysia	PNB	Permodalan Nasional Berhad		1978	Non-commodity
	Malaysia	TH	Tabung Haji		1972	Non-commodity
	Malaysia	KWSP	Employees Provident Fund		1983	Non-commodity
	Malaysia	LTAT	Lembaga Tabung Angkatan Tentera		1993	Non-commodity
	Azerbaijan	SOFAZ	State Oil Fund of the Republic of Azerbaijan	30.2	1999	Oil
	Ireland	NPRF	National Pensions Reserve Fund	30	2001	Non-commodity
	Brunei	BIA	Brunei Investment Agency	30	1983	Oil
	France	SIF	Strategic Investment Fund	28	2008	Non-commodity
	United States of America	PSF	Permanent School Fund	24.4 ^{[11][12]}	1854	Public Lands
	Texas					
	Iran	NDF	National Development Fund	23 ^[13]	1999	Oil
	Chile	SESF	Social and Economic Stabilization Fund	21.8	1985	Copper
	New Zealand	NZSF	New Zealand Superannuation Fund	15.9	2003	Non-commodity
	Canada	AHSTF	Alberta's Heritage Savings Trust Fund ^[14]	15.4	1976	Oil
	Alberta					
	United States of America	NMSIOT	New Mexico State Investment Office Trust	14.3	1958	Non-commodity
	New Mexico					
	United States of America	PUF	Permanent University Fund	12.8 ^[15]	1876	Public Lands
	Texas					
	Brazil	SFB	Sovereign Fund of Brazil	11.3	2009	Non-commodity
	Timor Leste	TLPF	Timor-Leste Petroleum Fund	9.9	2005	Oil & Gas
	Bahrain	MHC	Mumtalakat Holding Company	9.1	2006	Oil
	Oman	SGRF	State General Reserve Fund	8.2	1980	Oil & Gas
	Botswana	PF	Pula Fund	6.9	1996	Diamonds & Minerals
	Mexico	ORSFM	Oil Revenues Stabilization Fund of Mexico	6	2000	Oil
	Saudi Arabia	PIF	Public Investment Fund	5.3	2008	Oil
	China	CADF	China-Africa Development Fund	5.0	2007	Non-commodity
	United States of America	PWMTF	Permanent Wyoming Mineral Trust Fund	4.7	1974	Minerals
	Wyoming					
	Trinidad & Tobago	HSF	Heritage and Stabilization Fund	2.9	2000	Oil
	United States of America	ATF	Alabama Trust Fund	2.5	1985	Oil & Gas
	Alabama					
	Italy	ISF	Italian Strategic Fund	1.4	2011	Non-commodity
	United Arab Emirates	RIA	RAK Investment Authority	1.2	2005	Oil
	Ra's al Khaymah					
	Nigeria	NSIA	Nigerian Sovereign Investment Authority	1	2011	Oil
	Venezuela	FEM	FEM	0.8	1998	Oil

	Vietnam	SCIC	State Capital Investment Corporation	0.5	2006	Non-commodity
	Kiribati	RERF	Revenue Equalization Reserve Fund	0.4	1956	Phosphates
	Gabon	GSWF	Sovereign Fund of the Gabonese Republic	0.4	1998	Oil
	Indonesia	GIU	Government Investment Unit (Pusat Investasi Pemerintah (PIP))	0.3	2006	Non-commodity
	Mauritania	NFHR	National Fund for Hydrocarbon Reserves	0.3	2006	Oil & Gas
	United States of America	NDLF	North Dakota Legacy Fund	0.1	2011	Oil & Gas
	North Dakota					
	Equatorial Guinea	FFG	Fund for Future Generations	0.08	2002	Oil
	United Arab Emirates (Federal)	EIA	Emirates Investment Authority	X	2007	Oil
	Oman	OIF	Oman Investment Fund	X	2006	Oil
	United Arab Emirates (Abu Dhabi)	ADIC	Abu Dhabi Investment Council	X	2007	Oil
	Papua New Guinea	PNGSWF	Papua New Guinea Sovereign Wealth Fund	X	2011	Gas
	Mongolia	FSF	Fiscal Stability Fund	X	2011	Mining

در ایران صندوق توسعه‌ی ملی یک نمونه از صندوق ثروت حاکمیتی است. این صندوق می‌تواند برای توسعه‌ی ملی به کار گرفته شود و در وضعیت بازده مساوی، منابع خود را به بخشهای تولیدی ملی تخصیص دهد. برنامه‌ریزی برای حمایت از فعالیتهای برتر تولیدی می‌تواند در چارچوب صندوق توسعه‌ی ملی انجام شود. در این چارچوب، منابع سرمایه‌گذاری باید برگشت داده شود و بنابراین صندوق می‌تواند در فعالیتهایی مشارکت کند که بازده کافی داشته باشند.

برای بهبود سرمایه‌گذاری در صندوقهای ثروت حاکمیتی لازم است این صندوقها چنان تجهیز شوند که منابع خود را صرف فعالیتهایی کنند که عامل نوآوری، افزایش بهره‌وری و بالا رفتن قدرت رقابت می‌شوند و در چارچوبهای ذکر شده می‌توانند رشد متکی به توانایی رقابت را تشویق نمایند. در این راستا لازم است سیاستگذاران و برنامه‌ریزان مسئول سرمایه‌گذاری در صندوقهای ثروت حاکمیتی به این نکته عنایت کنند که بین سرمایه‌گذاری مولد (productive investment) و هزینه‌کردن مصرفی (consumptive spending) تفاوت بسیار زیادی وجود دارد. در جریان سرمایه‌گذاریهای مولد، هزینه‌کردن در جهت انجام می‌شود که در نهایت به بالا رفتن ظرفیت تولیدی جامعه می‌انجامد و امکان رشد اقتصادی را زیاد می‌کند. حاصل این وضعیت افزایش درآمدهای آتی در کشور است. در مورد هزینه‌کردن مصرفی، هزینه‌های دولت برای برآوردن نیازهای جاری صورت می‌گیرد و کالا و خدمات خریداری‌شده در بودجه، صرف برآورده شدن نیازهای مصرفی جامعه می‌شود.

نظر به این که صندوقهای ثروت حاکمیتی به‌قاعده‌ی عرف به آیندگان نظر دارند، سرمایه‌گذاریهای آنها باید از نوع سرمایه‌گذاریهای مولد باشد و پرهیز از هزینه‌کردن مصرفی باید به‌طور جدی نفی شود. در نمودار وضعیت سرمایه‌گذاریهای مولد که باید در چارچوب صندوقهای ثروت حاکمیتی انجام شود، نشان داده شده است. نمودار نشان می‌دهد که اگر صندوقهای ثروت حاکمیتی بخواهند در چارچوب بالابردن بازدهی اقتصاد ملی فعال شوند، لازم است در تمام زمینه‌های مربوط به ایجاد نوآوری فعال شوند تا دستاورد سرمایه‌گذاری بهبود کیفیت محصول باشد.

در اصطلاح فنی رویکردی که در آن کل زنجیره‌ی فعالیت در سرمایه‌گذاری مد نظر قرار می‌گیرد تا دستاوردهای متکی به نوآوری در کوتاهترین زمان ممکن حاصل شود، مدیریت متکی به زمان پیش‌رو (Frontloading Management) نامیده می‌شود. این رویکرد را ژاپنی‌ها برای توسعه‌ی نوآوری مورد استفاده قرار دادند و از آن نتیجه‌ی مثبتی به‌دست آوردند. اگر صندوق توسعه‌ی ملی در سرمایه‌گذاریهای مربوط به

آینده‌ی کشور از این رویکرد تبعیت کند، ظرف مدت کوتاهی خواهد توانست دستاورد سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده را دریافت کند. قابل توجه است که مدیریت متکی به زمان پیش رو، مدیریتی بر پایه‌ی محصول است و این نگرش به انواع سرمایه‌گذاری می‌تواند عامل توسعه‌ی محصولات جدید در بنگاه‌های اقتصادی کشور باشد^(۳) و^(۴).



۱- خلعت‌بری، فیروزه، (۱۳۸۹). طراحی برای مدیریت و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی مربوط به نظام و درآمدهای ارزی. دبیرخانه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام. کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری.

2- Atkinson, Robert; Matt Hourihan; Val Giddings; Jesse Jenkins; Matthew Stepp; Devon Swezey. (2011). Taking on the Three Deficits: An Investment Guide to American Renewal. The Information Technology and Innovation Foundation (ITIF) and The Breakthrough Institute. November. <http://www.itif.org/files/2011-taking-three-deficits.pdf>

3- Uehara, Osamu (Sam). (2005). New Product Development: Frontloading Management. Presented at the 91st Annual International Supply Management Conference. May. <http://www.ism.ws/files/Pubs/Proceedings/GIUehara.pdf>

4- European Economic and Social Committee. (2010). World-Class R&D. EU-Japan Center for Industrial Cooperation. Seminar Report. October. http://documents.eu-japan.eu/seminars/europe/wcm_rd/report.pdf

بند ۱۸: تنقیح و اصلاح قوانین و مقررات برای تسهیل فعالیت در بخش‌های تولیدی در سطح ملی با رویکرد ثبات نسبی در قوانین.

توجیه بند: از دیدگاه نظری، نقش ثبات قانونی در ایجاد چشم‌انداز روشن از آینده، نقشی انکارناپذیر است. مطالعات مختلف نشان داده است که نظام حقوقی کشورها و نظام مالی آنها بر توسعه‌ی درازمدت اقتصاد ملی و افزایش تولید در کشور تأثیر بسیار دارد^(۱) و^(۲). قدر مسلم این است که پایداری قوانین می‌تواند

عاملی در ثبات چشم‌انداز باشد که این امر خود سبب تشویق سرمایه‌گذاری می‌شود.

- 1- Levine, Ross. (1998). The Legal Environment, Banks, and Long-Run Economic Growth. Journal of Money, Credit, and Banking. Vol. 30. No. 3. Part 2. August. http://www.econ.brown.edu/fac/ross_levine/finance/rlevine/publication/1998_jmcb_legal%20environ%20lr%20growth.pdf
- 2- Perry, Amanda J. (2002). The Relationship between Legal Systems and Economic Development: Integrating Economic and Cultural Approaches. Journal of Law and Society. Vol. 29. No. 2. June. pp. 282-307. ISSN: 0263-323X. http://www.blackwellpublishing.com/content/BPL/Images/Journal_Samples/JOLS0263-323X~29~2~219/219.pdf

بند ۱۹: کارآمد کردن نظام توزیع کالاها و خدمات با استفاده از ساز و کارهای شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی و کاهش واسطه‌های غیر ضرور.

توجیه بند: ماهیت نظام توزیع و کارآمد کردن آن، به ساخت ارتباط بین واسطه‌ها و ماهیت و سهولت دسترسی تولید به بازار اشاره دارد. بهینه‌کردن ساخت شبکه‌ی توزیع به بررسی و الگوسازی نیاز دارد^(۱) و^(۲) ایجاد شبکه‌های کارآمد برای عرضه‌ی کالا و خدمات به بازارها می‌تواند سبب توزیع درست سود شود و در عین حال متقاضیان را هم راضی نگاه دارد. تعدد واسطه‌ها همیشه عامل کندی گردش مالی است و در نهایت انگیزه‌ی سوددهی را کاهش می‌دهد.

مطالعه‌ی کاربردی در مورد کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه نشان می‌دهد که شبکه‌ی توزیع سهمی در حد ۱۰ درصد محصول ناخالص داخلی این کشورها را به‌خود اختصاص داده است. این سهم عاملی است که به اصلاح ساخت این بخش توجه شود^(۳).

- 1- Procter & Gamble Eurocor. (2010). Tomorrow's Supply Networks: Sustainability and Growth without Trade off. March. <http://www.mst.dk/NR/rdonlyres/801DB06A-7EBE-48BD-9AB7-4F6FBE7-C94E2/0/SummaryPGSupplyNetworkForumFeb2010.pdf>
- 2- Martel, Alain and Uday Vankatadri. (1999). Optimizing Supply Network Structures Under Economies of Scale. CENTOR Research Center. January. http://www.fsa.ulaval.ca/personnel/martela/Papers/iepm99_paper.pdf
- 3- Boylaud, Olivier and Giuseppe Nicoletti. (2001). Regulatory Reform in Retail Distribution. OECD Economic Studies No. 32, 2001/I. OECD. <http://www.oecd.org/dataoecd/30/52/2732142.pdf>

بند ۲۰: گسترش منابع مالی و کارآمدسازی مدیریت آن در جهت افزایش ظرفیت تولید ملی و کاهش هزینه‌های تأمین مالی مورد نیاز، به‌ویژه با ساماندهی، گسترش و حمایت از نهادهای مالی توسعه‌ای و بیمه‌ای.

توجیه بند: بازنگری به محتوای مجموعه‌ی سیاستهای کلی موجود برای شناخت مواردی که می‌تواند در راستای سیاستهای کلی حاضر به‌کار گرفته شود، در واقع تقویت سیاستهای حاضر را در پی خواهد داشت.

۱۰- اجرایی کردن بندهای پیش‌نویس سیاستهای کلی

برای اجرایی کردن بندهای پیش‌نویس لازم است اقدامات مورد نیاز در هر بند با دقت مشخص شود. اقدامات می‌تواند توسط دولت برنامه‌ریزی شود و در چارچوب برنامه‌های اقتصادی و بودجه‌های سالانه به

آنها پرداخته شود. با وجود این، به نظر می‌رسد که ایجاد نوعی الزام و تعهد قانونی به اجرای این سیاستها ضرورت داشته باشد. یک نکته‌ی مهم در این راستا آن است که منابع دولت تا چه اندازه باید صرف خواسته‌های حاکمیتی شود و چه بخش از منابع دولت می‌تواند به کارهای مربوط به خواسته‌های قوه‌ی مجریه اختصاص داده شود.

برای نظارت بر حسن اجرای این سیاستها و حصول اطمینان از عملکرد اقتصاد در چارچوب موردنظر، لازم است یک پایگاه نظارتی برای نظارت بر حسن اجرای سیاستهای کلی تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی ساماندهی شود. این پایگاه باید از مقامهای برگزیده در سه قوه و مجمع تشخیص مصلحت نظام تشکیل شود و دبیرخانه‌ی آن هم در کمیسیون نظارت دبیرخانه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام باشد. کلیه‌ی نهادهایی که به‌نوعی برای تنظیم جریان اجرایی‌شدن بندهای مختلف این سیاستها درگیر می‌شوند، باید فعالیت‌های خود را با این پایگاه نظارتی هماهنگ نمایند.

توجیه وجود این پایگاه آن است که اجرای دقیق سیاستهای کلی به نظارت نیاز دارد. نظارت بر اجرای سیاستهای کلی در شمار وظایف تفویضی به مجمع تشخیص مصلحت نظام است. بنابراین مقام رهبری می‌تواند در موارد ویژه امر نظارت را به گروههای دیگر بسپارد. کمیسیون نظارت در نمودار سازمانی دبیرخانه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام، عهده دار وظیفه‌ی نظارت شده است. این بند خواهان برخورد تخصصی به نظارت بر سیاستهای کلی نظام در مورد تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی شده است تا فعالیت نظارت به صورت سازمان یافته انجام شود. با عنایت به ماهیت به نسبت درازمدت این سیاستها هم، وجود یک مجموعه‌ی تخصصی در دبیرخانه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌تواند کارآیی اجرایی سیاستها را افزایش بدهد. به همین دلیل هم دبیرخانه‌ی پایگاه در کمیسیون نظارت دیده شده است.